

چرم سازی کشیده باشیم مگر اینکه مقصود این باشد که بطور کلی مالیاتها از میان برود و اگر مقصود این است که از بعضی دوازی که در آینده بر قرار می شود معاف باشند مثل اینکه آقای بهجت مثل زدند حق الارض و بعضی مالیات های دیگری که از این قبیل پیدا می شود گمان می کنم که همچو پیشنهادی که بنده کرده ام بشود که پس از وضع آن مالیات قانوناً معاف باشند حالا اگر مدت سه سال را کم می دانند سه سال تصویب کنید پس کمتر هر طور صلاح می دانید ولیکن قید بشود که پس از وضع آن قانون تا آن مالیات ها که مردم امروزه می دهند از بین نرود اگر مالیات جدیدی وضع شود ده سال پنج سال معاف باشند و الا اگر این طور نباشد بکلی مالیات صابون و چرم خودمان را پس از دو سال که این کارخانه دایر شد از بودجه مملکت ایران باید حذف نمود .

( پیشنهاد حاج آقا قرائت شد ) این بنده پیشنهاد می کنم آلات و ادوات این کارخانه تا دو سال بعد از وضع مالیات بر این اشیاء از عوارض و مالیات معاف خواهد بود ( حاج آقا )

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد کسانی که موافقت با پیشنهاد حاج آقا قیام نمایند (اغلب قیام نموده و رد شد )

پیشنهادی از طرف آقای مرتضی قلیخان قرائت شد این بنده پیشنهاد میکنم که این کارخانه چرم سازی و صابون سازی و محصول آن از ادای همه نوع مالیات و عوارض دیوانی بعد از وضع آن مالیاتها معاف خواهند بود - مرتضی قلیخان

پیشنهاد شاهزاده دکتر حیدر میرزا قرائت شد این بنده پیشنهاد میکنم که این ماده برود بکمیسیون دقت شده بمجلس برگردد

رئیس - کسانی که این ماده برگردد بکمیسیون تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب و رجوع بکمیسیون شد ماده ششم بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده شش - بعضی اقسام صابونهای دوائی که از طرف کمیانی اختراع خواهد شد کسی حق ندارد از آن اقسام در مدت ۱۰ ساله درست نماید

**حاج وکیل الرعایا** بنده تصور میکنم که بگذریم دیگری قبل از این پیشنهاد شده بمجلس و مجلس تقریباً با کثرت یا با اتفاق رد کرده برای اینکه بانحصار رای نداده باشد حالا لفظ انحصار که يك كلمه کوچکی بود برداشته اند و بجای آن يك سطر بزرگی گذاشته اند بنده نمی دانم اگر بعضی اقسام صابون های دوائی از کمیانی اختراع شد و کسی حق ندارد درست کند با این ماده چه طور می شود که ما حقوق عموم را محافظت کرده باشیم و تصبیح حقوق دیگران را نکرده باشیم می گوید بعضی اقسام صابون های دوائی که از طرف کمیانی ساخته و احداث خواهد شد مگر هر چیزی را که بسرداشت يك رنگی زد و يك مهری و قالیش کرد این اختراع میشود بنده عرض میکنم که این همان انحصار است برای اینکه این

کارخانه دائر شود تا ۱ سال دیگر کسی اقدامی در این کار نخواهد کرد ولی حالاً نمیخواهم داخل ماده دیگرش بشویم که آنجا باز يك چیزی در كمك آن هست و ربط دادیم اینجا از آن ترتیب پیدا نخواهد شد برای اینکه اصلاً منفعتی که ما در نظر داریم خصوصاً در چرم آن این است که بز یاد درست کردن خواهد شد اگر در ایران کارخانه ساخت خیلی فایده خواهد برد ممکن است که در خیلی جاهای دنیا برود خیلی بصابونش ندارد چون این امتیاز دو چیز است یکی صابون و یکی چرم الا چرم اگر در ایران ساخته شد خواهید یافت که چقدر بر صادرات شما افزوده خواهد شد برای اینکه حالا خیلی محتاج هستند که همان چرم نه پخته را ببرند و بعد از اینکه ساخته شد ساخته اش را بطریق اولی خواهند برد و بعد از این واردات بزرگی خواهد بود و یکی از مالیاتهای غیر مستقیم که بخواهید بدها دارا شوید همین مسئله است که این چرم را بجاهائی ببرند که مردم خیلی استعمال میکنند مالیات غیر مستقیم به چیزهایی می بندند که مردم خیلی محتاج بار نمیشوند مثل صابون دوائی و جای مالیات غیر مستقیم هم همین چیزها خواهد بود این پولها را کسانی میدهند که قوه دارند (بالاخره) بنده نمی بینم در مجلس کسی که این معافیت مالیات را به کلی تصویب کند آن چرم و صابون را که بدها هایدی مملکت را كمك خواهد کرد چرمش را که بخواهند بخارج برود تا ۱ سال يك طوری کرد که يك قدری نرمتر و بهتر بشود یا رنگش را بطور دیگر خواهد کرد و این همان انحصار اولی است بلکه يك قدری شدیدتر بنده استدعا میکنم که يك توجه تامی بفرمائید که ضرری بدولت وارد نشود .

**دکتر اسمعیل خان** - اینکه آقای وکیل - الرعایا فرمودند درست دقت نکرده اند که صابونهای که او خواسته است مخصوص خودش باشد صابونهای دوائی است از قبیل صابون سولمه و اسد فنیك و غیره که این کارخانه اختراع کرد و اطبائی که هستند خوب آن را تصدیق کردند میخواهد آن صابون مخصوص خودش باشد این هم در تمام دنیا مرسوم است

**آقای میرزا ابراهیم قمی** - بنده مذاکره در این ماده را خارج از وظیفه مجلس میدانم چون ربط بخارج و دخل مملکتی ندارد با وزارت فوائد عامه است هر طوریکه صلاح میدانند قرار بدهند معین بشود .

**محمد هاشم میرزا** - مقصود از اینکه آقای حاج وکیل الرعایا اظهار کردند این است که از آن جنس صابون که این درست میکنند درست شده است و موجود هست پس نیست اگر موجود است نمیشود مخصوص او کرد و آن اختراع نیست اگر موجود نیست و او اختراع کرده ۱۰ سال که سهل است شصت سال با او باشد .

(پیشنهادی از ارباب کیخسرو قرائت شد بعبارت ذیل ) بنده پیشنهاد میکنم ماده شش حذف شود **ارباب کیخسرو** - بنده عرض میکنم آنچه

ما را می دادیم صحیح است ولی در این میخواهم عرض کنم ماده ما اینقدر مستند نیست که صابونیکه در هیچ جای دنیا نباشد اختراع کنیم و صابونهای دوائی خیلی زیاد است انواع و اقسام آنها در کتابها نوشته شده میزان ترکیب آن دواجات هم نوشته شده آنوقت بر میدارند از روی کتاب صابون میسازند و میخواهند منحصر بآنها باشد این اختراع نیست اختراع این است که صابونی بسازد که تا بحال در هیچ جای عالم درست نشده باشد پس باید شرح بشود که صابونهایی که بسازند و در هیچ جای عالم نباشد آن مخصوص باواست ( اظهار کردند صحیح است )

**دکتر اسمعیل خان** - بنده عرض کردم صابون دوائی اختراع کند و مثلی که زدم از جهت این بود که صابون سولمه و اسد فنیك یادارو اشکنه اینها معروف بود و الا معلوم است آن اختراع نیست فرض این است که صابونی اختراع کند که صابون دوائی باشد و آن ترکیب نشده باشد این ممکن نیست

**فهییم الملك** - این را باید توضیح داد در آن ماده که اختراع چیزی است که تا بحال نبود تا آنکه میخواهند درست بکنند آن مخصوص اوست دیگری حق ساختن ندارد .

**رئیس** - حالا يك ربع ساعت تنفس است (مجدداً بعد از تنفس جلسه تشکیل شد)

**رئیس** - مذاکره در ماده شش بقدر کافی شد حالا باید رای بگیریم آقای آقا میرزا کیخسرو پیشنهادی کرده بودند که این ماده حذف شود ولی وقتی که رای گرفتیم بر این ماده تصویب نشد در واقع حذف شد لازم است که در حذف رای گرفته شود فقط يك رای کافی است مجدداً ماده مزبور قرائت شد

**رئیس** - پس رای میگیریم کسانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام ننموده رد شد )

**رئیس** - پس این ماده حذف میشود . (ماده هفتم را آقای آقا میرزا ابراهیم خان بقرار ذیل قرائت نمود)

مارك و مهر قالب های مخصوص این کارخانجات بکلی ممنوع از تقلید است .

**ارباب کیخسرو** - بنده مکرر عرض کردم الفاظ فارسی باید استعمال شود لفظ (مارك) را بنده نمی فهمم (گفتند علامت و نشانه است .)

**رئیس** - اگر ملاحظاتی در این ماده نیست رای میگیریم کسانی که ماده هفتم را تصویب میکنند قیام نمایند اکثر (قیام نمودند و با کثرت تصویب شد)

ماده هشتم را نیز آقای آقا میرزا ابراهیم خان بقرار ذیل قرائت نمود .

در صورتیکه ربیع زاده و شرکاه بخواهند در کنار رودخانه کرج یا جاجرود بنای کارخانهای فوق را بنمایند معادل ده هزار ذرع اراضی بایر اطراف رودخانه چنانچه متعلق بدولت باشد که قابل کارخانه ساختن باشد از طرف دولت به ربیع زاده و شرکاه تا مدتی که کارخانه چرم سازی در آن نقطه برقرار است داده می شود .

**صدرالعلماء** - بنده در باب اراضی رودخانه مرضی ندارم ولی در آن که از آب رودخانه باید مصرف کنند حرف دارم اگر در مجرای رودخانه زمین‌هایی باشد که از آن رودخانه مشروب شود این را نمی‌توان اجازه داد که باینها داد باید محدود کرد گفته شد این راجع به ماده بعد است و هنوز نیامده است.

**ارباب کبخسرو** - بنده عرض می‌کنم کسانی که از دولت تمنای زمین می‌کنند برای یک چیزی در ضمن شرط میکنند که بعد از انقضای یک مدتی آنچه روی آن زمین ساخته شده است متعلق بدولت است والا نمی‌شود که دولت اراضی خودش را بدهد آنها هم عمارت ساختند بعد از بیست سال آن عمارت چه خواهد شد تکلیف معلوم نیست.

**حاج شیخ الرئیس** - قدری از مقصود مرا آقای ارباب کبخسرو توضیح کردند ولیکن باید طوری بشود که همین طوریکه ذکر شد زمین از بین نرود و یک مدت متمادی نباشد مادامیکه هست یک تجدیدی بشود.

**حاج آقا** - تصور می‌کنم یک اشباهی شده باشد بواسطه اینکه امتیازی نیست که بکسی داده شده باشد که یک مدتی برایش معین باشد این یک اجازه واعانه است از طرف دولت برای تشویق اگر امتیاز بود همین طور بود که فرمودند و باید در آنجا نوشته شود که بعد از انقضای مدت واگذار بدولت بنمایند ولی این یک چیزی است معین امتیازی گرفته که کارخانه بیاورد و دولت هم در یک زمینی کمکی باو بکند برای تشویق گمان میکنم این چیزی نباشد و مدت هم ندارد و نباید مضایقه شود پیشنهادی از طرف آقای آقا میرزا ابراهیم قمی بقرار ذیل قرائت شد:

این بنده پیشنهاد می‌کنم که ماده هشت اینطور نوشته شود.

در صورتیکه ربيع زاده و شرکاء در جائی کارخانه خود را بنامیند که اراضی دولت در آنجا موجود باشد معادل ده هزار ذرع از اراضی دولتی مرحمت و واگذار خواهد شد.

**دکتر اسمعیل خان** - این پیشنهاد گویا چندان نزدیک به صرفه نباشد پیشنهاد کمیسیون گویا نزدیکتر به صرفه باشد و خود ربيع زاده هم همین قسم تقاضا کرده است که در نقطه بخواد دولت از زمین های بایر بدهد ولی کمیسیون نظرش این بوده است که در نقاط بعیده از قبیل جاجرود و کرج که اراضی آنجا قریب ندارد که بآنها واگذار شود ولی اگر چنانچه آنطوریکه پیشنهاد شده است تصویب شدیگ ضرری را متوجه میسازد.

**دکتر علی خان** - بنده میخواستم عرض کنم این ضرری نیست که قابل این مذاکره باشد اینجا زمین‌ها هیچ ارزشی ندارد فقط تا وقتیکه متعلق بر ربيع زاده باشد چیزی نمیدهد این چیزی نیست رای بدهید.

**حاج شیخ اسدالله** - اینجا خوب است معین کنید

که از بایر باشد وطوری نشود که از اراضی مزروع را خراب نمایند.

**بهجت** - میخواستم این را واضح کنم که اینجا هیچ نمیبخواهیم بر ربيع زاده بدهیم بهجت آنکه مثلا در اول رودخانه کرج آنچه که بایر است دایر نماید یک مقدارش که قبایل آبادی نیست ولم یزرع است باو داده میشود اگر خوب نگاه کنیم می‌بینیم که هیچ باو نداده‌ایم می‌آید عمارتی بنامیند بعد می‌رود و از اراضی دایر هم باو نداده‌ایم که اسباب ضرر باشد فقط سنک لاهی را باو میدهیم و چندان ضرری برای دولت نیست.

**رئیس** - آقا میرزا ابراهیم خان پیشنهاد خودشان را پس گرفتند حالا رای میگیریم کسانی که با این ماده موافقت دارند قیام نمایند اغلب قیام نمودند و تصویب شد.

ماده نهم را آقا میرزا ابراهیم خان نیز تقرر ذیل قرائت نمودند:

ربیع زاده و شرکاء میتوانند از آب رودخانه بقدر شرب اجزاء کارخانه و حوض های دولتی جهت نرم نمودن و شست و شوی چرمها به مصرف برسانند.

**حاج وکیل الرعایا** - اینها یک قدری مختصر است آیدر وقتیکه داخل بشوند به عملیاتش همان وزارتخانه که این لایحه را پیشنهاد کرده است می‌بیند که خیلی خودش در زحمت افتاده است والا برای اینکه چرم سازی خیلی آب میخواهد در آبی هم که در آنجا داخل شود تقریباً از رودخانه قطع شده است و دیگر بکارزارت نمی‌خورد و باین جهت ممکن است آن وزارت خانه کارش با مشکل بیفتد و خوب است که قدری بیشتر وقت بفرمایند که امور اراضی هم آنقدر مشکوک نماند و وقتیکه زمین لایق یک کارخانه بود نسبت به لیاقتش قیمت پیدا میکند و وقتیکه کارخانه آنجا باشد باید دانست که خیلی قیمت پیدا میکند آیا آب را چون بنده نمی‌دانم مال کیست که میخواهند بردارند بلا قیمت بابدون رضایت صاحبش کسیکه میتواند بیاید آنجا را توضیح بدهد که معلوم شود.

**صدرالعلماء** - عرض بنده راجع به همان ماده است که آن متعلق به کبست املاکی که در اطراف رودخانه است آیا مالک دارد یا خیر از این آب زراعت میشود یا اینکه هیچ زراعت نمیشود بطور مطلق این امتیاز را میداد که هر آبی را که بخواهند استعمال کنند باید یک قرار داد که معین باشد که با رضایت طرف باشد و ضرری بکسی وارد نشود.

**دکتر اسمعیل خان** - آب رودخانه متعلق است بدولت بقدر شرب اجزاء و از برای حوضهای دولتی چهار پنج حوض معین میکنند آنوقت این چرمها را می‌اندازند در آنها برای نرم شدن و این دواها را هم که در آن چرمها می‌ریزند چون باقیمت است هر چهار پنج ماهی یک مرتبه عوض می‌کنند و چیزی نیست که هر روز این را عوض کنند این ملاحظات را کمیسیون کرد فقط بقدر شرب اجزاء و آن چهار پنج حوض که این چرمها را در آنها بعمل می‌آورند و آبش هم متعلق بدولت است.

**حاج سید نصرالله** - این انهار کنار اراضی واسعه تعلق بکسی ندارد معلوم مردم است (والناس فیہ شرع سواء) وانگهی این ده هزار ذرع

زمین هر قدر بخواهد شرب از رودخانه جاجرود کند مگر بقدر شرب خواهد کرد مسلماً بقدر احتیاجات است چیزی نیست که اینقدر مذاکرات در آن بشود **محمد هاشم میرزا** - هم در مسئله معافیت کمرب در مشقه آب و زمین همه اینها اگر مال دولت نیست که مجلس نباید تصویب کند و اگر ملک دولت است باید باورفته رای گرفت.

**دکتر اسمعیل خان** - تمام اراضی مال دولت است باین لحاظ بوده است که کمیسیون اذن داده است والا از هر جا که بخواهد صحیح نیست.

**رئیس** - رای میگیریم بر ماده نه کسانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد).

ماده ده را نیز آقا میرزا ابراهیم خان بقرار ذیل قرائت نمودند:

فاضل آب فاسد کارخانه بهیچوجه نباید داخل رودخانه بشود.

**حاج عز الممالک** - این ماده بسیار صحیح است ولی این ماده نیست باید جزء همان ماده سابق بشود.

**دکتر حمید میرزا** - عرض بنده این است که اگر این فاضل آب بقدر چارک و ربع سنک باشد بخارج میرود و بر رودخانه بر نمیگردد و اگر آب را باندازه سنک ببرند و فاضل آب بزمن های بایر برود یا بقدر برود یا بر رودخانه برود اولاً این آب را همه مردم حق دارند و نخواهند گذاشت که ببرند بملاوه اگر الان جنب یک رودخانه بخواهند بدهی احداث کنند رعایای سایر دهات نمی‌گذارند این آب قسمت میشود بر رعیت و رعایای اطراف تمام حق دارند.

این مطلب خوب است از وزارت مالیه تحقیق شود اگر ربع سنک است که عیب ندارد اگر زیاد است نه تمام.

**دکتر اسمعیل خان** - بعد از گذشتن ماده معلوم میشود که حضرت والا دقت فرموده‌اید بقدر شرب اجزاء و کارخانه و قدریکه استعمال میشود و یک سنک و نیم سنک و غیره نیست فاضل آب هم که فرمودند چون این فاضل آب دوا دارد از قبیل اسد فنیک و غیره که ممکن است سمیت داشته باشد داخل رودخانه بشود باین جهت خود این کمیانی چاههای عمیق خواهد کند که بآنجا برود.

**صدرالعلماء** - عرض میکنم اگر لوله و ربع سنک باشد عیب ندارد و اگر اضافه باشد خوب است توضیح بفرمایند که اسباب زحمت نشود.

**دکتر حمید میرزا** - خوب است در اینجا توضیح بشود که از حد نگذرد.

**بهجت** - مگر ما شرط کرده‌ایم که در هر ماده مذاکره کنیم فاضل آب نباید داخل رودخانه شود این مذاکرات ندارد.

**رئیس** - در این باب رای میگیریم کسانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد)

ماده یازدهم بقرار ذیل قرائت شد  
 ربیع زاده و شرکاء در این امتیاز بهیچوجه حق انتقال تبهه خارجه و شرکات با آنها را ندارند .  
**محمد هاشم میرزا** - عرض میکنم نتیجه این ماده که در هر کدام این امتیازها در آخر آنها نوشته میشود این است که نفوذ دیگری غیر از تبهه داخله نباشد خوب اگر خودش یا یکی از شرکاء تبهه خارجه باشد چه خواهد کرد و همان ضرر مترتب است اگر یک تبهه داخل خارجه شد چه میشود و اگر این ضرر را مؤثر نمیدانید بی نتیجه در جای دیگر هم نباید بنویسید والا اینجا هم باید معین شود که کسی مالک یا صاحب این امتیازها نشود پس باید این را قید کرد که معلوم شود و بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود اگر یکی از شرکاء تابع خارجه شد این معافیت از او سلب خواهد شد .

**ارباب کیخسرو** - بنده فقط یک لفظ میخواستم عرض کنم در اینجا زیاد شود انتقال یا وثیقه یعنی بعنوان وثیقه هم نمی توانند پیش تبهه خارجه بگذارند **بهجت** - ما اینجا نباید مذاکره کنیم که صاحب این امتیاز تبهه داخله است یا خارجه زیرا که خود این ماده میفهماند که هر کسی تبهه خارجه باشد بوجه من الوجوه نمیتواند شرکات داشته باشد بهر قسم از اناسام خواه بوثیقه خواه بشکل دیگر حالا اگر بجای این عبارت ممکن است یک عبارت دیگری نوشته شود که مطلب واضح تر باشد حرفی ندارم .

پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا بقرار ذیل قرائت شد .  
 این بنده پیشنهاد میکنم که این ماده اینطور نوشته شود .  
 اگر یکی از شرکاء تابع خارجه شد این حق معافیت از او سلب خواهد شد .  
 نیز پیشنهادی از طرف شاهزاده لسان الحکماء بمضمون ذیل قرائت شد .  
 این بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده یازده اینطور افزوده شود و همچنین شرکات تبهه خارجه با این کمیانی بکلی ممنوع است .  
**عزالملك** - خوب است آقایانی که میگویند انتقال شامل اجازه نیست اینجا اجازه را هم بگویند قید شود .

**حاج شیخ الرئیس** - بنده قدری در این عبارت نظر دارم بهیچوجه حق انتقال تبهه خارجه و شرکات با آنها را ندارند این عبارت ناموزونی است **لسان الحکماء** - بنده در پیشنهاد خود توضیح میدهم که بعضی آقایان اگر التفتان فرمودند درست ملتفت نشدند اینجا دو مسئله است یکی اینکه کمیانی اجازه نمیدهد یکی اینکه شرکات را قانوناً ممنوع میکند ممکن است انسان خطائی بکند و کمیانی تبهه خارجه را شریک کند و ما میخواهیم تبهه خارجه را مداخله ندهیم یا بی جهت این پیشنهادی را که بنده کرده ام از دو طرف این حق را سلب میکند و بهیچوجه خارجه را مداخله نمیدهد اجازه هم بخارجه نباید بدهیم حق شرکات هم ندارد .

**دکتر اسمعیل خان** - اگر دقت بفرمائید این مسئله هندسی است که دو چیز مساوی بیک چیز نیز مساوی است .

**افتخار الواعظین** - این عبارت ابد عبارت قانونی نیست که در اینجا نوشته شده است و بنده گمان میکنم که آنقدر نوشته شود کافی است که ربیع زاده و حضرات شرکاء بهیچوجه حق مداخله دادن اتباع خارجه را در این شرکات ندارند این از تمام اینها مستغنی است .

پیشنهادی در این باب از طرف آقا سید حسین اردبیلی بمضمون ذیل قرائت شد .  
 این بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۱۱ اینطور نوشته شود .  
 اتباع خارجه در این امتیاز حق شرکات و مداخله نخواهند داشت .

**حاج آقا** - در این مورد هر وقت وارد می شویم باز نظرمان بیک مطلب انحصاری است یک کسی از یک مطلبی می تواند اتباع و شرکاء خارجه را ممنوع کند در آن جهت خودش یک امتیازی داشته باشد دولت در آن موادی که همراهی با کمیانی کرده است می تواند او را ممنوع کند از شرکات با این معنی که اگر شرکات داد بیک نفر خارجه می تواند فقط آن امتیازی که با او داده از قبیل خرج گمرک و غیره آنها را رفع بکند و الا این عده پیشنهاد ها که هیچ حق ندارد در یک خارجه بگیرد این هم معنی ندارد برای اینکه یک وقت شاید دلش خواست که هیچ مساعدتی هم از دولت نخواهد و یک کمیانی تشکیل کند و با اتباع خارجه شرکات کند و یک کاری بکند یک تجارتی یک صنعتی آنرا دولت نمی تواند جلو گیری کند مگر آنکه قانون کلی بگذرانند که اتباع داخله با اتباع خارجه بهیچوجه نمی توانند شرکات کنند و الا در موردی که دولت بیک چیزی اختصاص یا امتیاز بدهد در آن مورد می تواند بگوید اگر تبهه خارجه را شرکات داد آن امتیازات سلب شود .

**حاج وکیل الرعایا** - بنده تصور میکنم این مذاکرات برای ما منفعت نداشته باشد نباید آنقدر مذاکره کنیم عین چیزی که در ماده یازده گذاشته شده خودش کافی است و اگر بطور خفه خواست یک سرمایه از یک جایی تحصیل کند و داخل کند تصور میکنم اگر آقایان توجه بفرمایند بعضیها را شاید بدون اینکه از بعضی بیطرفها که از راه تجارت داخل مملکت ما شوند اینقدر ضرری نداشته باشد .

**ناصر الاسلام** - این اظهاری که آقای حاج آقا فرمودند تا یک اندازه خود صاحب امتیاز این تقاضا را از مجلس نکرده است ایشان بهمین ترتیبی که نوشته است متقاعدند و قانوناً نباید با اتباع خارجه اگر بخواهد شرکات کند ممنوع باشد .  
 مجدداً پیشنهاد آقای آقا سید حسین اردبیلی قرائت شد .

**مؤتمن الملك** - کارخانه بنویسند .  
 پیشنهاد مزبور بعد از اصلاح بقرار ذیل قرائت شد .

اتباع خارجه با این کارخانه حق شرکات و مداخله نخواهند داشت .

**ادیب التجار** - این تمین تکلیف است برای اتباع خارجه خوب است اینطور نوشته شود که صاحب این امتیاز یا کمیانی حق ندارد با اتباع خارجه شرکات کند .

**رئیس** - کسانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند .  
 رأی گرفته نشد و نیز پیشنهادهای ذیل بترتیب قرائت شد .

پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا .  
 این بنده پیشنهاد میکنم که این ماده افزوده شود اگر یکی از شرکاء تابع خارجه شد این حق معافیت از او سلب خواهد شد [محمد هاشم میرزا]  
 پیشنهاد شاهزاده لسان الحکماء - این بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده ۱۱ این جمله افزوده شود و همچنین شرکات تبهه خارجه با این کمیانی کلیتاً ممنوع است .

پیشنهاد آقای آقا سید حسین اردبیلی - بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۱۱ اینطور نوشته شود اتباع خارجه در این کارخانه حق شرکات و مداخله نخواهند داشت .

پیشنهاد ارباب کیخسرو - بنده تقاضا میکنم که ماده یازده اینطور نوشته شود ربیع زاده و شرکاء در این اجازه بهیچوجه حق انتقال یا وثیقه گذاردن آلات و ادوات یا کارخانه و سایر متعلقات آن تبهه خارجه و شرکات با آنها ندارد .

پیشنهاد آقا میرزا ابراهیم خان - بنده تقاضا می کنم ماده ۱۱ چنین اصلاح بشود ربیع زاده و شرکاء او حق انتقال و شرکات در این کارخانه با تبهه خارجه ندارند و اگر یکی از شرکاء داخل تبعیت خارجه شود باید حق خود را بتبهه دولت ایران واگذار نماید .

**آقا میرزا ابراهیم خان** - بنده میخواستم تقاضا بکنم از نمایندگان محترم که اجازه بفرمایند این ماده برود بکمیسیون اصلاح عبارتی شده بر گردد [اظهار شد صحیح است]

**حاج آقا** - ما نمیدانیم چرا بی مطالعه علی الاتصال پیشنهاد می کنیم در صورتی که در اول این امتیاز می نویسد که این امتیاز نیست فقط یک معافیت دولتی است از گمرکات از آن طرف می نویسیم حق شرکات در این امتیاز ندارد این امتیاز نیست بنده میگویم اگر بکنند از اتباع بخواهد در اینجا شرکات کند هیچ ربطی با ما ندارد و فردا اگر یک کسی از اتباع خارجه بیاید و یک امتیاز صنعتی بخواهد ما آیا با او مساعدت می کنیم یا نمی کنیم اگر هیچ مانع پلیتیکی نداشته باشد در مواردی که باید یک حقوقی بدو ت برسد مسلماً باید بدهیم دیگر چطور میتوانیم بگوئیم که حق شرکات در این امتیاز ندارد این هم امتیاز نیست فقط یک کارخانه است نمیخواهد پیش کسی رهن بگذارد و تا بگوئیم حق ندارد و با آن پیشنهاد بیکه شاهزاده محمد هاشم میرزا کرده است که قرار بشود اگر با او واگذار گردد از آن معافیت معروم باشد دیگر چیز دیگری نمی ماند .

**آقا شیخ محمد علی بهجت** - بنده برعکس میخوامم با آقای حاج آقا عرض کنم راست است که چیزی دولت به ریج زاده نداده ولی تمام باهتمام دولت میشود در معنی این کارخانه دولتی میشود که کمرک که نمی دهد تمام ادویهجات را کمرک نمیدهد زمین را هم دولت باو میدهد آبش هم از دولت است اینها را دولت باو میدهد که بیایند تجارت کنند مقدمشان خیر کمال امتنان را داریم تمام اینها برحمت و مساعدت دولت است از حیث معافیت کمرک و مالیات و اعطای زمین و آب و غیره فقط یک کارخانه مال خودشان است و مابقی مال دولت است و اگذار بآنها کرده که علی الرسم تجارت کنند منفعت بآنها برسد فقط آمده است در اینجا از زمین و آب دولتی این کارخانه را دایر کرده است فردا که باین یک ماده رای دادیم ممکن است که از هر گوشه تشبثات پیدا کنند مثل اینکه بگویند این آب باید بتوسط قوه فشار حرکت کند یا هزار قسم دیگر که یک وقت ممکن است تواید بعضی اشکالات بکنند خواهش میکنم که آقایان امروزه این ملاحظاتی را بکنند که فردا تولید اشکال نکنند و حالا که بنا شده است بر گردد بکمیسسیون واضح نوشته شود که مطلب معلوم شود .

**رئیس** - بهتر این است که این ماده هم مثل آماده برود بکمیسسیون دستور جلسه روز سه شنبه راپورت کمیسسیون فواید عامه راجع بقانون اداری معارف راپورت کمیسسیون بودجه راجع بصاحب منصبان مستعفی فزاق خانه راپورت کمیسسیون داخله در خصوص طرح آقای دکتر امیرخان در باب تخصیص عشر مالیات نوافل در مصرف آبله کوبی اگر وقت داشته باشیم راپورت کمیسسیون فواید عامه راجع بطلاشویی کوه زره .

**حسنعلی خان** - بنده می خواستم متذکر شوم خاطر آقایان را که پنجروز قبل که آقای رئیس - الوزراء تشریف آوردند و کابینه را معرفی کردند و بعد صریح فرمودند که روز پنجشنبه وزیر معارف را در مجلس معرفی کنند و امروز که یکشنبه است سه روز هم از آن روزیکه قرار داده اند گذشته است بنده تمنا می کنم که با آقای رئیس الوزراء یادآوری شود که زودتر وزیر معارف را معین و معرفی کنند .

**حاج عز الممالک** - بنده چندین مرتبه در باب خالصجات این عرض کردم و حالا بدبختانه وزارت مالیه لایحه خودش را پس گرفته و شاید نخواهد دوباره به مجلس پیشنهاد کند این چیزی است حق مجلس این حق را بکمپانی واگذار کرده اند و این بخلاف قواعد مقرر است باید این لایحه به مجلس بیاید و با اطلاع مجلس این را واگذار کنند و هر قدر بدون تصویب مجلس عمل شود تصرفی است بدون حق و ضرر دولت است .

**آقامیرزا احمد** - بنده هم فرمایشی را که آقای حسنعلی خان فرمودند موافقم و مسئله مستخدمین نظمی را هم خوب است تأکید شود که زودتر بگذرد و گذشته از این فرمایشی را که آقای حاج عز الممالک

فرمودند هنوز محل نزاع است که اینکار کار مجلس است یا نه که وزیر مالیه خلاف قانون کرده باشد . مجلس یک ساعت از شب گذشته ختم گردید .

**جلسه ۱۷۴**

**صورت مذاکرات روز سه شنبه**

**شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۲۸**

مجلس ۲ ساعت قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ذکاء الملک تشکیل شد .

صورت مجلس روز یکشنبه ۳ آذر آقای معاضد الملک قرائت کردند .

( فائین جلسه قبل )

قوام الاسلام . نویری . حاج میرزا آقا . آقای سیدعلی آقا . آقا سید محمد رضا . امام جمعه خوئی بدون اجازه

منتصر السلطان . حاج فاتح الملک . آقای کاشف با اجازه هایب

حاج سید نصرالله . ممتازالدوله . آقا شیخ حسین یزدی . دکتر امیرخان . هشتروندی . معتمد . التجار . حاج آقا در موقع مقرر حاضر نشده

آقای حاج میرزا زین العابدین و تربیت مریض بودند .

**رئیس** - در باب صورت مجلس ملاحظاتی که هست بفرمائید

**منتصر السلطان** - بنده مریض بودم که حاضر نشدم .

**حاج سید نصرالله** - بنده سر وقت اینجا حاضر بودم اشتباه شده است .

**بهجت** - بنده در خصوص کمیسسیون پروگرام میخواستم سؤال کنم که تاکنون چه کار کرده است حالا یکسال است از این دوره گذشته است وقتیکه مراجع کنیم بفرست خدماتی که مجلس کرده است همان کمیسسیون شش نفری است که در اواخر شعبان این احساس شده و یک کمیسسیون ۶ نفری انتخاب شد و در تمام

رمضان همینطور کاری نکردند بعد هم که تقاضا شد و شش نفر دیگر بر آنها علاوه شد همینطور معلوم شد کاری نگردانند اگرچه اطلاع داریم خیلی زحمت کشیده اند و مشغول کار هستند و از خدمات آنها متشکر هستیم ولی از قراریکه شنیدم یک کلیاتی فعلا در آن کمیسسیون مطرح و یقین دارم که مدتی کار خواهد داشت که آنها حل شود حالا عرض بنده این

است اساس آن کلیات را که فعلا در کمیسسیون مطرح است خوبست راپورت بدهند که از امروز که شروع می کنیم بدستور روز بعد از روی کلیات همان نقشه حرکت کنیم تا بعد از آن مسائلی را که در نظر دارند حل کنند و از روی آن ترتیب عمل کنیم .

**مهرز الملک** - چون بنده متخیر آن کمیسسیون هستم لازم است عرض کنم تصور میکنم آن کلیاتی که در کمیسسیون مذاکره شده به مجلس بیاید فایده بکند بجهت آن که کلیاتش چه چیز است کلیات این است که باید این خرابیها که در کار است اصلاح شود و لابد آن خرابیها راهی دارد و باید راهش فهمید و پس از آن راهها معین شد باید بیاید به مجلس

و از روی آن راهها معین شد باید بیاید به مجلس

و از روی آن راهها معین شد باید بیاید به مجلس

و از روی آن راهها معین شد باید بیاید به مجلس

و از روی آن راهها معین شد باید بیاید به مجلس

و از روی آن راهها معین شد باید بیاید به مجلس

و از روی آن راهها معین شد باید بیاید به مجلس

و از روی آن راهها معین شد باید بیاید به مجلس

و از روی آن راهها معین شد باید بیاید به مجلس

و از روی آن راهها معین شد باید بیاید به مجلس

و از روی آن مجلس بتواند رفتار کند تا آن ترتیب تمام نشده است گمان نمیکنم بشود آن کلیات را بیاورند به مجلس و نتیجه هم نخواهد داشت .

( راپورت شعبه اول قرائت شد )

که شعبه اول روز شنبه ۲ ذی قعدة ریاست آقای حاج فاتح الملک منعقد و برای کمیسسیون عریض بموض آقا عبدالحمین رای گرفته شد با اکثریت ده رای از یازده رای برای ادیب التجار به عضویت آن منتخب شدند و نیز بجای آقای معاضد السلطنه برای عضویت کمیسسیون تفتیش نان ادیب التجار با اکثریت سه رای منتخب شدند )

**آقامیرزا احمد** - می خواستم عرض کنم که در جلسه گذشته جمعی از نمایندگان تقاضای کردند و فرستادند بهیئت رئیس و آن تقاضا این بوده که وزیر داخله را حاضر کنند تا در باب اوضاع جنوب مذاکره شود که این روزها اوضاع جنوب اهمیت پیدا کرده است و ترتیبی برای آنجا داده شود . تلگراف واصله از قصر از طرف آقای آقا سید ابوالحسن مجتهد اصفهانی ذیلا نوشته میشود قرائت شد .

مجلس مقدس شورای ملی شیدانه ارکانه - هر چند از انتخاب مبعوثان عظام ایدم الله تعالی خادم شریعت مطهره را بسمت عضویت هیئت مقدس مجتهدین اعضاء متشکر و آرزو مند خدمت بدین و دولت و ملت بوده هست لیکن نظر به و اوضاع کثیری از این توفیق محروم و همانطوریکه حضور آقایان آیت الله دامت ظلالهم مروض داشتم استعفا خود را به مجلس محترم با کمال اعتذار تقدیم و امید پذیرائی دارد انشاء الله تعالی (الداعی ابوالحسن - الموسوی اصفهانی )

**رئیس** - آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی که جزو علمای حقه انتخاب شده بودند بر حسب این تلگراف استعفا داده اند حال امروز یا فردا باید عرض ایشان بقرعه تعیین شود اظهارش خوبست که امروز انتخاب شود .

**رئیس** - چون هر چه زودتر بشود بهتر است همین امروز انتخاب شود .

**سلیمان میرزا** - میخواستم عرض کنم اینکه برای کمیسسیون تفتیش نان عضو معین میکنند کمیسسیون نانی نیست تا اینکه برای او عضو معین کنند یک کمیسسیون نانی معین شد از برای عمل نان فقط یکی دو جلسه منعقد شد و رفتند تفتیش خودشان را کردند و راپورت دادند که جنس وارد میشود و وارد هم خواهد شد و کمیسسیون تفتیش پیش از این کاری نداشت وظیفه اش همان بود که انجام داد و اینکه آقای ادیب التجار بجای آقای معاضد السلطنه انتخاب شده اند برای یک چیزی است که وجود خارجی ندارد و برای اینکه رفع اشتباه شود این عرض را کردم همه بدانند کمیسسیون نانی نیست .

**آقامیرزا ابراهیم خان** - تقاضای است بامضای [ ۱۵ ] نفر نمایندگان قرائت میشود بقراری که ذیلا مندرج است [ ما امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد میکنیم بواسطه کثرت عده کمیسسیونها و اشغال فوق العاده آقایان و کلا در کمیسسیون های مزبوره

فوق العاده آقایان و کلا در کمیسسیون های مزبوره

فوق العاده آقایان و کلا در کمیسسیون های مزبوره

فوق العاده آقایان و کلا در کمیسسیون های مزبوره

فوق العاده آقایان و کلا در کمیسسیون های مزبوره

فوق العاده آقایان و کلا در کمیسسیون های مزبوره

فوق العاده آقایان و کلا در کمیسسیون های مزبوره

فوق العاده آقایان و کلا در کمیسسیون های مزبوره

فوق العاده آقایان و کلا در کمیسسیون های مزبوره

فوق العاده آقایان و کلا در کمیسسیون های مزبوره

فوق العاده آقایان و کلا در کمیسسیون های مزبوره

فوق العاده آقایان و کلا در کمیسسیون های مزبوره

فوق العاده آقایان و کلا در کمیسسیون های مزبوره

جلسات مجلس مثل سابق هفته سه روز باشد [امضاء کنندگان] دکتر علیخان آقا سیدجلیل میرزا علی اکبر خان دهخدا طباطبائی دکتر اسمعیل خان معتمدالتجار معاضدالسلطنه مرتضی قلیخان بختیاری ناصرالاسلام سلیمان میرزا حسنعلی خان میرزای مرتضی قلیخان مستشارالدوله سردار احمد آقا میرزا ابراهیم خان آقا شیخ غلام حسین

آقایان اعضاء کمیسیونها اگر کار بکنند و جلسات مجلس را هم داشته باشند و اینکه همه جلسات مجلس را بخواهیم تخفیف بدهیم بنده صحیح نمیدانم و گمان میکنم که مطابق صورت تقسیم که کردند کمیسیون ها وقت دارند که کار بکنند نظر دیگر است و در این صورت خوب است مجلس هم تشکیل شود

**آقای میرزا داود خان** - در يك ماه قبل از این جلسات مجلس که ۵ روز شد همین نمایندگان رای دادند از آنوقت هم عده کمیسیون ها را می دانستند باید علت را فهمید که چه شده آنروز این رای را دادند و امروز می گویند باید عده کم شود و علت این تجدید رای را باید دانست که چیست

**رئیس** - تغییر رای بملاحظه این است که بنده اطلاع دارم که واقعا از برای کمیسیونها اسباب عسر و حرج شده است نمیدانم بواسطه ضیق وقت چه بکنیم مثلا همین کمیسیون پروگرام را که بنده در آنجا هستم می بینم بواسطه ضیق وقت اگر بخواهیم آن کمیسیون را منعقد کنیم از کمیسیونهای دیگر باز میمانیم و اگر بخواهیم آنها را منعقد کنیم از این باز میمانیم و همچنین آن کمیسیونهای دیگر هم که فوق العاده نیست همین حال را دارند

**متمین السلطنه** - عرض میکنم اینکه پیشنهاد کرده اند که جلسات مجلس مثل سابق باشد بنده اولاً آن رای سابق را صحیح نمیدانم بواسطه اینکه تا کار در کمیسیونها زیاد است میگویند هفته سه یا دو روز باشد و قتی که کار در کمیسیونها کم است آنوقت میگویند هفته چهار پنج روز باشد ماده (۱۱۵) نظامنامه داخلی بما میگوید که رئیس مجلس قبل از اینکه مجلس را ختم کند درباب دستور جلسه آتی تعیین روز و ساعت و موضوع مذاکرات با مجلس رجوع مینماید باینکه هر وقت رئیس دید کار کم است عده جلسات را کم میکند هر وقت کار زیاد شد و مواقع را مقتضی دانست زیاد میکند و واقعا میتواند هفته هفت روز قرار بدهد

**رئیس** - حالا خوب است در این باب تجدید رای کنیم ولی در هیئت رئیسه ملاحظه کارها را میکنیم اگر لازم باشد تخفیف در جلسات همانطور جلسات را کم میکنیم

راپورت کمیسیون داخله راجع بطرح دکتر امیر خان در خصوص تخصیص عشر مالیات برای مصارف (آبله کوبی) و (سرم) دیفتری قرائت شد کمیسیون پس از مذاکرت لازمه همان عشر مالیات نواقل را برای مصارف مذکور تصویب نموده بود که با اطلاع و تصویب انجمن حفظالصحه رسمی که مرکب است از اطباء بادیهلم ایرانی و خارجه در تمام بلاد ایران بمصرف برسد

طرح دکتر امیرخان هم از قرار ذیل قرائت شد (چون یکی از مهمترین وظایف بلدییه رعایت امور صحیه ساکنین شهر است لهذا این بنده دو ماده قانونی ذیل را پیشنهاد میکنم)

اولا از مالیات نواقل تومانی يك فران برای اصلاح امور حفظالصحه و بالخاصه تخصیص آبله کوبی و کلودرد بطور مجانی تخصیص شود .  
ثانیا جوهریکه از این مراحل حاصل میگردد بمجلس حفظالصحه رسمی دولتی داده میشود که به نظارت و تصویب مجلس مذکور بمصرف برسد  
امضاء کنندگان دکتر امیرخان با یانزده نفر از نمایندگان

**دکتر امیر خان** - بنده خیلی امیدوار بودم که این طرح زودتر باید بمجلس بیاید و بگذرد و اگر زودتر میآمد میگذشت ممکن بود که خیلی از اطفال وطن را که از نبودن مایه آبله و مخصوصاً اطفال فقرا که یا بواسطه نداشتن پول یا بواسطه نبودن آبله تلف شدند نگاهداری نمایند و حالا با وجود اینکه خیلی طول کشیده باز خیلی متشکرم و در این تشکر بنده هزارها طفل آبله دار شریک هستند امیدوارم که آقایان نمایندگان محترم هم رای خودشان را اظهار نموده و هم خودشان را در این اقدام خدایسندانه در دفتر نوع پرستی ثبت فرمائید و تقاضای فوریت آنرا میکنم

**آقا سید حسین کرانی** - بنده اساسا با این طرح هر اهرام ولی بموجب اطلاعاتی که دارم هنوز مالیات نواقل بموقع اجرا گذارده نشده فقط مقداری در طهران مجری شده است خوب است خواسته شود که بموقع اجرا گذارده شود در این صورت این هم موضوع ندارد زیرا که در سایر بلاد بموقع اجرا گذاشته نشده است .

**فهییم الملک** - اساسا این طرح و راپورت هر دو صحیح است لیکن بنده ملتفت نیستم که چه مبلغی را برای چه مصرفی معین کرده اند و رای میدهند خوب بود بعد از این که این طرح رفت بکمیسیون داخله معین میکردند که مقصود این طرح چیست آیا برای حفظالصحه مرکز است یا ایالات و ولایات است یا اینکه برای سرحادات و تا چه اندازه مخارج میکنند و بعد میرفت بکمیسیون بودجه آنجا معین میکردند که مالیات نواقل چقدر است عشرش چه اندازه هامیشود و چه اندازه مصارف لازم دارد آنوقت میتوانستیم بگوئیم چه مبلغی را برای چه کاری معین کرده اند و الا باینطوری که احتمالا نوشته اند عشر مالیات نواقل برای حفظالصحه در صورتی که هیچ معلوم نیست مالیات نواقل چیست و عشر آن چقدر است و این مقدار صرف چه محل خواهد شد و کار حفظالصحه چه خواهد بود این را بنده صحیح نمی دانم و عرض میکنم که این مطلب اساسا خیلی صحیح است ولی این راپورتی که از کمیسیون آمده است از او چیزی فهمیده نمی شود .

**حاج شیخعلی خراسانی** - مطالبات نواقل

البته خاطر آقایان مسبوق است که يك ميزان معینی ندارد برای اینکه يك مبلغی است که از نواقل دریافت می شود بسا هست که در یکسال خیلی و در يك سال کمتر دریافت می شود حالا هر قدری که عاید شد هر ساله عشرش دریافت شده بتصویب انجمن حفظالصحه رسمی مصارف میشود حالا اگر انجمن حفظالصحه رسمی نداریم بعداً تاسیس میشود [اظهار شد فعلا انجمن حفظالصحه داریم] اگر هست بنده اطلاعی ندارم و چون این مالیات از عایدات بلدی است و راجع بمداخل داخلی است که از خود محل گرفته می شود و بمصارف خصوصی محلی میرسد بکمیسیون بودجه مربوط نیست و نباید بآنجا برود مثل اینکه مالیات نواقل هم داخل بودجه نمی شود جزء عایدی مملکتی نیست که منوط بتصویب کمیسیون بودجه باشد و این مالیات هم حالا در تهران بعد هم در باقی جاها البته عاید خواهد شد البته بتصویب انجمن حفظالصحه عشر آن در مصرف همین آبله کوبی [سرم دیفتری] خواهند رسانید .

**دکتر علیخان** - يك مطلبی در اینجاست که بنده می خواستم سؤال کنم و آن این است که الان در طهران در مجلس حفظالصحه است يك مجلس حفظالصحه است که دولتی است و رسمی است و بنده آنرا خیلی مهم میدانم و یقین دارم که اگر این کار رجوع شود بآنجا بطور صحیح انجام بشود و يك مجلس حفظالصحه هم هست که بلدییه تشکیل داده است و احتمال میدهم اگر این مطلب بگذرد بلدییه اظهار کنند که این باید بانجمن حفظالصحه بلدی برسد پس باید این را هم مجلس معین کند که مقصود از مجلس حفظالصحه رسمی کدام است که اسباب اشکال نشود .

**ناصر الاسلام** - بنده می توانم عرض کنم که این عنوانی نیست که آقایان نمایندگان اینقدر در او مذاکره کنند و محتاج بدقت باشد بهمان ترتیبی که مخبر گفت این مسئله از همان ده يك مالیات نواقل گرفته شده بتصویب انجمن حفظالصحه مصرف خواهد شد و این هم مسلماً راجع شد بيك عده از فقراتی که نمی توانند از عهده مخارج این مسئله برآیند و مردمانی که شخصاً استطاعت ندارند و این از آن پیشنهاد های بسیار مهم است که باید همگی در آن چندان مذاکره نکنند و زودتر رای بدهیم که بگذرد و به عقیده بنده این ترتیبات و تفصیلات راجع بما نیست راجع بوزارت داخله است که باید به پیشند و باید بچه ترتیب مصرف شود .

**حاج شیخعلی خراسانی** - اینکه آقا فرمودند راجع باطفال فقراست در هیچ جا رسم نیست که این تنها راجع باطفال فقرا باشد این يك اداره است که بومه مردم و ساکنین باید داده شود ام از اینکه فقرا یا اغنیا باشند نهایت این است که اگر این اندازه کفاف نداد برای مخارج آن باید از جای دیگر تهیه شود .

**محمد هاشم میرزا** - آنچه بنظر دارم

و قتیکه این قانون گذشت با اسم وسایط نقلیه گذشت خوب است باز همان اسم وسایط نقلیه باشد و اگر با اسم نواقل گذشته بود و بنده خاطر منبست که مطلب دیگری است.

**حاج فاتح الملک** - بنده می خواستم در جواب آقای فهیم الملک عرض کنم مالیات نواقل مالیات معنی نیست هر چه عایدی نواقل شد عشر آن را بقول آقای دکتر امیر خان صرف این کار نمایند و این هم جزء عایدات مملکتی است که برود بکمسیون بودجه.

**دکتر امیر خان** - فرمایشی را که آقای دکتر علی خان فرمودند خیلی صحیح است ولی خودمان را باید کول بزیم و هر طیبی را که تحصیل صحیح نکرده است و دارای دیپلم نیست نباید گذاشت که آبله بکوبد زیرا تولید مرض دیگر و زحمت می شود بعضی امراض هم هست که حتما لازم است در این موقع جلوگیری شود بعضی اینکه آبله شان صحیح کوبیده شود از طرف دولت این را برای حفظ الصحه معین کرده اند و البته همین حفظ الصحه همان حفظ الصحه دولتی رسمی است که هم اطبای ایرانی صاحب دیپلم و هم اطبای خارجه با دیپلم هستند و بطوری که عرض کردم هفته یک مرتبه منمقد میشود که اطفال فقرا را بیاورند آنجا مجاناً آبله بکوبند و آبهائی هم که ماده آبله است خواسته ایم و اگر این طرح بگذرد مجاناً حاضر می شود و هر یک از آنها در یک محله می نشینند اطفال را مجاناً ممالجه می کنند.

**حاج دکتر رضا خان** - بنده تقاضا می کنم یک دفعه دیگر این طرح را بخواهند [ ثانیاً راپورت قرائت شد ]

**معاذ الملک** - بنده گمان می کنم طرحی را که خود آقای دکتر امیر خان پیشنهاد کرده است بهتر است از این راپورتی که از کمسیون آمده زیرا بطور قانونی نوشته شده و یک تفصیلی داده و آن ایراد هم که دکتر علیخان گفت صحیح است لفظ دولتی آنجا لازم دارد چون انجمن حفظ الصحه رسمی ممکن است شامل حفظ الصحه بلدی هم بشود اگر لفظ انجمن حفظ الصحه دولتی نوشته شود این اشکال رافع می کند.

**لسان الحکماء** - اگر نظر آقایان نمایندگان مجلس سابق باشد بنده این طرح را سابقاً پیشنهاد کردم ولی آنطوریکه بود و گمان می کنم که صرفه آن بیشتر باشد و آن تأسیس اداره مایه آبله سازی بود و اینطور بنظر بنده چندان صرفه ندارد و بنده خاطر دارم که مرحوم مظفرالدین شاه حاضر شد برای تشکیل این اداره مبلغی هم تعیین شد که مایه آبله بیاورند که آن مبلغ را بنام مواجب و حقوق بردند گمان میکنم اگر بآن طور ترتیب داده شود که اداره آبله سازی تأسیس شود بهتر خواهد بود و عمل آن اداره هم سهل است.

**مؤتمن الملک** - اگر پیشنهاد تغییر میکنند عرضی ندارم والا مقصود این بود که این مسئله خیلی مهم است اگر این ترتیبی که گفته شد در اینجا بپذیرد

نشود فردا در هر ولایتی یک انجمن با اسم حفظ الصحه تشکیل و داخل این مسئله خواهند شد و آن مقصودی که در نظر است بهیچوجه پیشرفت نخواهد کرد باید نوشته شود با اجازه مجلس حفظ الصحه دولتی که در مرکز منعقد است باید با اجازه یک کمیته مجلسی باشد والا اگر اینطور نشود چهار اشکالات خواهیم شد.

**رئیس** - چونکه صاحب طرح آقای دکتر امیر خان هستند می فرمایند باید لفظ دولت نوشته شود و کمسیون هم همین طرح ایشان را تصویب کرده است چیزی که هست یک اصلاح مختصری لازم دارد عبارت راپورت هم قانونی نیست در این صورت گمان می کنم که اگر بهمان طرح دکتر امیر خان رأی گرفته شود بهتر است طرح دکتر امیر خان قرائت شد.

**دکتر امیر خان** - بنده در جواب آقای لسان الحکماء عرض می کنم که مرکز ساختن آبله را صحیح است باید داشته باشیم ولی در این باب مطالعات شده و بنده بنده این طرح را پیشنهاد کرده ام اولاً آن یکساز و نیم تا دو سال طول دارد که ما بتوانیم مایه آبله برداریم بملاوه مخارج زیادی دارد و اگر بنا شود که از مراکز بخواهیم خرج کمتر دارد و خیلی کم پول می شود مثلاً بیانصد دینار ممکن است بیست نفر را ممالجه کنیم این است که مطالعات شده و باین طور پیشنهاد شده و بمقیده بنده خیلی خوب است برای اینکه یکسال یا دو سال مدت نمی خواهد و هم مخارج آن کمتر است.

**کاشف** - هر قانونی که از مجلس بگذرد لازم است که راجع بهر وزارت خانه است خود وزیرها معاونش باید حاضر باشد که نظریات خودش را راجع با اجرای آن اظهار نماید از این جهت بنده خیلی لازم می دانم که یا وزیر داخله یا معاونش حاضر باشد که این قانون بگذرد که بماده چهار اشکالات نشویم

**حاج شیخعلی** - ما که حالا وضع قانون جدیدی نمی خواهیم بکنیم قانون نواقل که تأسیس می شد معاون وزارت داخله حاضر بود و اجرای آنرا متمهد شده و حالا فقط چیزی که هست این است پیشنهاد شده که یک عشر از آن مجزا شود برای مصارف (آبله کوبی) و سرم دیفتری کمسیون چیزی از خودش اضافه نکرده است همان دو ماده آقای دکتر امیر خان را تصویب کرده است ( دو فقره پیشنهاد بقراردیل از طرف نمایندگان قرائت شد)

« ۱ » از طرف دکتر حاجی رضاخان [ بنده پیشنهاد می کنم که گذشته از اینکه آبله کوبی و تنقیه سرم مجانی است خود مایه آبله هم باید مجانی باشد ]

« ۲ » از طرف آقای دکتر علیخان [ بنده پیشنهاد می کنم که اندازه عایدی وسایط نقلیه هر محلی است عشر آن مبلغ بتصویب مجلس حفظ الصحه محلی صرف آبله کوبی و سرم دیفتری آن محل شود ]

**حاج شیخعلی خراسانی** - این حرف هم صحیح نیست بواسطه اینکه در بعضی ولایات مالیات نواقلمان زیاد از خرج دولت و در بعضی ولایات هیچ

نداریم مملکت ایران که از هم مجزا نیست که ما این ملاحظات را بکنیم

**معاذ الملک** - گمان می کنم اشکالاتی که در این مورد می کنند صحیح نیست بجهت اینکه مخارج حفظ الصحه باید عمومی باشد برای اینکه این چیز خیلی مقدمی است و از برای نوع است و تفاوتی نمی کنند در اینکه عایدی طهران در کرمان صرف شود ولی باید بنویسند و ولایات اگر هم چه باری را مزید کنند آنوقت شامل مرکز و ولایات هر دو خواهد بود.

**مشیر الدوله** - بنده می خواستم عرض کنم که این مالیات مالیاتی است که بر وسایط نقلیه و از برای مصارف بلدی گذاشته شده است و حالا عشرش را میخواهند مجزا کنند و بنده همچو تصور می کنم که این کار از وظایف مجلس نباشد این کاری است که خود بلدیها باید بکنند و دیگر این که اینجا مذاکره می شود که اینکار چطور و در کتابچه ترتیب باشد و البته در هر ولایتی هم یک وقایع نگاری وارد و ترتیب اینکار را بطور صحیح مرتب میکند و الا این طور که ما در این باب مذاکره می کنیم باید بگوئیم که باید یک لایحه هم پیشنهاد شود در باب ترتیبات این کار آقای میرزا ابراهیم خان ماده اول را پس از اصلاح بقرار ذیل قرائت نمود.

ماده [ ۱ ] از مالیات وسایط نقلیه تومانی یک قران برای اصلاح امور حفظ الصحه و بالخاصه تمهین آبله کوبی و تقسیم سرم کلودرد دیفتری بطور مجانی تخصیص شود [

**رئیس** - رأی میگیریم کسانیکه با ماده اول بطوریکه قرائت شد موافقت قیام نمایند [ اغلب قیام کردند ]

ماده ( ۲ ) نیز پس از اصلاح عبارات ذیل [ قرائت شد ]

ماده [ ۲ ] و چوهیکه از این ممر حاصل میگردد بمجلس حفظ الصحه رسمی مرکزی دولت داده میشود که بنظارت و تصویب مجلس مذکور در تمام مملکت بمصرف برسد [

**رئیس** - رأی میگیریم در این ماده دویم کسانیکه ماده دویم را بطوری که خوانده شد تصویب مینمایند قیام کنند ( اکثر قیام نمودند )

**رئیس** - حالا بر مجموع این دو ماده رأی میگیریم کسانیکه مجموع این دو ماده را بطوریکه خوانده شد و رأی داده شد تصویب می نمایند قیام نمایند [ اغلب قیام نمودند و دو ماده مسطور با کثرت از مجلس شورای ملی گذشت ]

راپورت کمسیون فوائد عامه راجع بقانون اداری وزارت فوائد عامه را آقای میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند.

**رئیس** - این قانون را آقایان مطالعه کرده اند دیگر خواندن لازم ندارد حالا باید در کلیات آن شور شود آقایانی که در کلیات آن نظریاتی دارند بفرمایند.

**حاج آقا** - در کلیات این لایحه مذاکرات لازم نیست بواسطه اینکه آقایان فراموش کرده اند این لایحه قبلاً در این مجلس آمده و در کلیات آن رأی گرفته شد بعد داخل در مواد شدند بواسطه

تفكيك و مجزی شدن ادارات از يكديگر قرار شد بر گرد دوازدهم بگردد مفصل شود و دوره تبه مطرح شود باین جهت گمان می کنم که این يك لایحه علیحده نیست بلکه همان قانون است که در آن شورکلی شد و فقط برای تفكيك رجوع شد به کمیسیون ( گفتند صحیح است )

ماده اول بمبارت ذیل قرائت شد .  
ماده ( ۱ ) دوائر ادارات وزارت فوائد عامه از قرار تفصیل ذیل است .

- [ ۱ ] دایره وزارت و کابینه وزیر [ ۲ ] مدیر کل [ ۳ ] دایره جنگلها و ابنیه و باغات ( ۴ )
- دایره معادن و راهها و میاه [ ۵ ] دایره نفتپش ( ۶ ) دایره محاسبات .

**معاضدالمملك** — اینجا فقط در ماده اول خواستم عرض کنم که ( دوائر ادارات ) غلط است باید نوشته شود ( شعب ادارات ) برای اینکه دوائر لفظ جمع است .

**منتصر السلطان** — در این مسئله که آقای معاضدالمملك میفرمایند در کمیسیون بواسطه ضیق مالیه اینطور برای داده شد وخواستیم تشکیل ادارات کنیم باین جهت همه را دایره کردیم و قرار شد در خود ماده اول بگنجانیم .

**آقامیرزا ابراهیم خان** — اینکه نوشته دوائر و ادارات برای این است که وزارت فوائد عامه دارای شعب و ادارات خواهد بود ادارات آن شعبی است که بولایات کشیده میشود و دارای دوائر و اداراتی چند است و دایره آن است که در خود وزارت خانه تأسیس میشود .

**بهجت** - امتقادم این است که در باب تجارت هم در اینجا نظری کرده باشیم در کمیسیون عرض کرده بودم حالا هم واضح تر عرض میکنم الان مدتی است وزیر تجارت نداریم و کابینه هم که معرفی شدند هیچ اسمی از وزیر تجارت نبردند و همچو معلوم شد که آن وزارتخانه صفرو منجل شده است پس خوب است اعمال وزارت تجارت را که در جزء یکی از این دوائر بگنجانیم و اداره صناعت و زراعت و تجارت را یکی بکنیم که يك وزیر داشته باشد و تمام آنها در تحت اداره آن وزیر باشد مثلا فرض بفرمائید که قانون شرکتهای آقای مؤتمن المملك مرتب کرده است که باید بیاید بمجلس این لابد از يك نظری باید مذاکره کرد يك وزیر باید داشته باشد که دفاع کند و چنین کسی نیست و اعتقاد بنده این است که وزارت تجارت و اعمال تجارتهای ما خیلی بوزارت فوائد نزدیک است یا اینکه اعمال تجارتمان را راجع بکنیم از این دوائر یا یکی از شعبات که راجع بشرکتهای است که در عمل تجارت و زراعت و شرکتهای رسیدگی میکنند این هم جزء همان دوائر باشد .

**منتصر السلطان** - وزارت و تجارت خودش يك تجارتخانه مخصوص است و اگر نظر آقایان نمایندگان باشد در چندی قبل آقای رئیس الوزراء که این مسئله را در نظر داریم و يك تأملی در این مسئله است که باید در کابینه وزراء مذاکره شود که به بینیم آیا امروز وزارت تجارت لازم است یا خیر و فعلا قانون وزارت فوائد عامه را نوشته ایم و نظری که بوزارت تجارت نداشتیم برای اینکه این هیچ مربوط بتجارت نیست خودش يك اداره مستقلی است و این را نمیشود

جزء وزارت فوائد عامه کرد حالا اگر لازم است يك وزارتخانه را ضمیمه يك وزارتخانه دیگر بکنیم آنرا هم باید بمجلس رای بدهد که مجلس رای نداده فرمودند باید از همه دیگر تفكيك شود و چون فعلا دوازدهتخانه را در يك وزارتخانه گنجانیده ایم بمقیده بنده دیگر نمیتوانیم امروز يك وزارت تجارتهای را هم ضمیمه یکی از این دو وزارتخانه بکنیم .

**حاجی آقا** — بنده اولاً این معنی را باید متذکر شوم که هر وقت يك لایحه از طرف وزیر پیشنهاد میشود در موقع شور آن باید خود وزیر یا معاون وزیر حاضر باشد و دفاع کند بدستخانه تا حال آن مسئله مراعات نشده است که قبل از آنکه ما بگوئیم آنها حاضر باشند و همیشه به بینیم مغبّر کمیسیون عوض وزیر یا معاون مدافعه میکنند و حال آنکه چه بسا میشود که نظریاتی را که وزیر دارد کمیسیون مخالف آن نظریاتی را که وزیر دارد کمیسیون معالف آن نظریات است این یکی و ثانیاً این را پورتهی که از کمیسیون آمده گمان میکنم که در این تغییر خیلی اشتباه شده است برای اینکه مینویسد که «دوائر ادارات وزارت فوائد عامه» بدیهی است دوائر يك هیئتهای کوچکی است که در تحت اداره و کوچکتر از اداره است و از اول که اینها بمجلس آمد ادارات نوشته بود درست خاطر هم هست که گفته شد اینها ادارات است و در آن مذاکرات باشکالات شد که این ادارات زیادی است و خوبست همه در تحت يك اداره عنوان دایره داشته باشند باین جهت اینها برگشت که آن دوائر در تحت آن اداره نوشته شود و حالا به بینیم کمیسیون بکلی آنرا حذف کرده است گویا آن نقطه نظر را کمیسیون فراموش کرده است که ادارات کم شود و مصارف زیاد نشود و مخصوصاً احساسات نمایندگان این بود که غالب این ادارات زیادی کمتر شود و با وجود اینکه ممکن بود دایره جنگلها و باغات و معادن تماماً يك دایره مخصوص شود باز نمقدانم چرا آنها را از هم تفكيك کردند بواسطه اینکه ممکن بود دوائر جنگلها و باغات و راه تمام را یکی بکنند و اغلب این ادارات تشکیل شود

**منتصر السلطان** — آن نظری را که فرمودند در باب اداره و دوائر ما هم نظر را داشتیم و تمام آنها که اداره بودند دائره نوشته ایم و فقط دوازدهتخانه بگنجانیده ایم یکی دایره جنگلها و باغات است دیگری دایره راهها و میاه است و این را چطور میشد که یکی بکنیم جنابعالی خوبست تصور این را بفرمائید که هنوز معادن کشف نشده و آن چیزهایی که کشف شده است الان وزارت فوائد عامه بیشتر از صد هزار تومان میگیرد یعنی فیراز معادن جنوبی هفتاد و پنج هزار تومان میشود که ما خبر داریم و شعبه جنگلها که امروز باید مرتب شود جنگلهای دولتی و از بابی باید از همه دیگر تفكيك شود و مرتب شود و نمره گذاشته شود و در تحت نظر وزیر فوائد عامه اصلاحات بشود و هم چنین آنهایی که قطع میشود بجای آنها عرض بشود و اما در خصوص باغات و ابنیه دولتی بنده خیلی تعجب میکنم بچه نظر اینرا میفرمائید در صورتی که ابنیه دولتی منحصر بطهران و اطراف طهران نیست بلکه در ولایات هم هست که باید تمام آنها رسیدگی شود بدیهی است يك دایره نمی تواند تمام اینها را رسیدگی نماید دیگر راهها که امروز تمام این

راهها که در ایران است که بعضی از آنها را امتیازش را داده اند به بعضی کمپانی ها و این تا اندازه اسباب اشکال شده است و بعضی ها را هنوز مشغول نشده اند و همه روزه با بعضی کمپانی های خارجه و داخله مشغول هستند و يك دایره نمیتواند از برای تمام اینها کار بکند و همچنین راجع بمیاه که عبارت از رودخانه و دهنه مرداب ها باشد و بعضی ترتیباتی که باید رسیدگی شود بمقیده بنده هر کدام از آنها يك ترتیبی دارد که باید صحیح شود حالا خواهی فرمود امروزه دولت ما این اندازه کار ندارد بنده می گویم کمیسیون بهین ملاحظه که اینها هنوز مرتب نشده اند منقسم بدو اداره کرده اند در صورتیکه باید منقسم بهشت اداره بشود که هر اداره شب و دوائر مختلف داشته باشد .

**حاج شیخ اسدالله** — بنده تقویت می کنم فرمایش آقای حاجی آقا را که فقط تبدیل کردن اداره را بدایره این تقابل مخارج نمیکند این بیاناتی که فرمودند صحیح است ولی يك چیزی ناقص داشت که لازم بود بفرمائید و آن این بود که این همه اشجاری که در این باغات و جنگلها هست يك اداره نمیتواند رسیدگی بکند کدام باغات کدام جنگلها کدام معادن تمام اینها را ممکن بود يك دائره کرد که بودجه مملکت ما کم بشود ملاحظه اوضاع حالیه مملکت ماشده باشد .

**آقا میرزا احمد** — لفظ ادارات اینجا زیاد است گویا سجو شده اگر چه فرق اداره و دایره واضح است البته دایره کوچک تر است و اداره شامل دایره است و از اول این قانون هم اگر ملاحظه فرمائید هیچ جای آن نیست که لفظ اداره باشد تمام دایره است اما مسئله زیادی بودن این دوائر آن چیزیکه در لایحه وزیر بود هشت دایره بود ابنیه و باغات هم علیحده يك دایره بود میاه و راهها هم یکی بعد در کمیسیون اینطور مذاکره شد با معاون وزیر فوائد عامه و معاون اصرار داشت در اینکه اینها باید باشد و دلایلی برای اینها ذکر کرد که نمی شود این دایره ها منحل شود و البته باید باشد مدیر کل که سمت حاکمیت دارد و فوق سایر دوائر است آن را هم نمی شود مخلوط کرد فقط چیزی که هست که آن دایره است از قبیل دایره ابنیه و باغات و جنگلها و دایره معادن و راهها و میاه آنرا می شود دایره گفت ولی محاسبات آنها باید مجزا باشد شغلشان سواست و صورتشان هم جدا است آن چیزیکه میتوان گفت یکی شود دایره جنگلها و دایره باغات و ابنیه است چیزی را که می شود یکی قرار داد همین دو دایره است و خوب اگر تصور بفرمائید ملتفت خواهید شد که این همه کار را يك دایره نمی تواند انجام دهد پس باین واسطه شش دایره زائد نیست و لازم است .

**سلیمان میرزا** — در این جا نظریات مختلف است برای اینکه اگر فرض کنیم این خودش يك وزارت خانه است می شود اینها را برای او تصور کرد اما اگر تصور کنیم این يك شعبه است

در يك وزارتخانه نمی توان اینها را برای او تصور کرد این دلایلی که گفته شده است که چون این يك شعبه ایست از وزارت معارف نباید دارای این ادارات باشد در صورتی که این طور باید که ما می کنیم دایره وزارت کابینه وزیر هم مکرر است بواسطه اینکه در قانون اداری معارف ذکر شده است دایره تفتیش هم زیادی است برای اینکه دایره تفتیش در قانون اداری معارف است و به همین قسم محاسبات اینجا هم نوشته شده است در صورتیکه این هم زیادی است بواسطه آنکه همان محاسبات تمام شعبات رسیدگی مینماید پس اگر هر شعبه يك دایره محاسبات بخواهد پس آنوقت يك دایره وزیر يك کابینه يك دایره تفتیش هر کدام از اینها يك دایره محاسبات می خواهد دیگر این که مخیر محترم می فرمایند چون قانون می نویسیم اینها را هم باید بنویسیم برای اینکه اگر يك روز خواستیم اینها را مجزی کنیم باید در قانون باشد که کامل باشد و تمام جهت در او منظور شود و امروزه اینها را هم کاسم برده ایم اضافه بر بودجه نخواهد بود و این نه از برای آنستکه برای هر دایره يك وزیر باشد و از برای آنها يك بودجه معین شود بلکه برای آنست که این دایره ها در تحت قانون ادارات خودش باشد پس اگر این طور باشد آنوقت آقایان اشکالی نخواهند داشت که فقط بدو دایره باشد یکی دایره جنگلها و باغات و یکی ابنیه و میاه در این صورت ممکن است تصویب شود .

**منتصر السلطان** - تصدیق می کنم فرمایش حضرت والا را مطابق است با اظهار معاون وزارت فواید عامه که این فقط از برای قانون نوشته شده است و فقط همین دو ماده با اجرا گذاشته میشود ولیکن همان دو ماده مرتب شده و میشود .

**مهززالملك** - بنده اولاً همانطوریکه آقای حاج آقا فرمودند که باید در وقت مذاکره در شور لایحه قانونی وزیر یا معاون حضور داشته باشند تأیید میکنم اظهارات ایشان را که وزیر در موقع شور باید حاضر باشند نظریاتیکه دارند بفرمایند و بنده هم اینجا چند ایراد دارم اولاً اینجا وزارت فواید عامه نیست يك اداره فواید عامه است وقتی که ما در اینجا قانون بگذاریم مثل این است که دوسه وزارتخانه را در تحت يك وزارت خانه قرار بدهیم پس از این که این کار را کردیم در دوائر که داخل شدیم بعضی از چیزها خواهد افتاد مثلاً در ماده اول دایره وزارت و کابینه خواهد افتاد بعد مدیر کل هم میافتد و باین ملاحظه بنده شریک با آن کسانی که میگویند باید دوائر جنگلها و باغات و میاه و ابنیه و راهها و معادن یکی باشد بجهت این که ما نباید در آن موقعی که قانون وضع می کنیم به نظر بیاوریم که چقدر جنگل و چقدر معدن داریم باید به نظر بیاوریم که چقدر پول داریم چقدر قوه داریم چند اداره را امروز می توانیم اداره کنیم هر وقت که قانون وضع می کنند اینها را تعیین و معلوم کنند قانون برای داخله وضع می شود و برای این است که رفع احتیاجات فوری برای مقتضیات وقت یعنی برای آنچه که حالیه می توانند از آن فایده و نتیجه ببرند و آن چیزی را که بر طبق قانون بتوانیم کارهای خودمان را ترقی بدهیم و بتوانیم بس آن

واسطه مالیه خودمان را مرتب نمایم بعد از آنکه توانستیم ادارات خودمان را بیندازیم و با پولی و ثروت مالی پیدا کنیم و دوائر خودمان را وسیع کنیم و يك وزارت فواید عامه تشکیل بدهیم ترتیبات مالیه مملکتی و ثروت را دارا شدیم قوه مجریه آن زمان پیشنهادی خواهد کرد و مقنن حاضر خواهد بود که لایحه وزیر فواید عامه را این طوری که پیشنهاد کرده است بپذیرد و پس حالا ما هیچ محتاج نیستیم باینکه این قانون را بگذاریم و از بی اسبابی يك مدت زیادی این قانون اجرا شود و این اداره ما تکمیل شود و قانون فقط برای رفع احتیاجات وضع می شود و در آن باید ملاحظه اوضاع زمان را نمود باین واسطه بعقیده بنده این هم دو اداره کردن این دوائر زیاد است و يك اداره تمام اینها را بخوبی می تواند اداره نماید .

**محمد هاشم میرزا** - بنده می خواستم عرض کنم خوب است قانون وزارت فواید عامه و اوقاف همانطوریکه آقای مهززالملك فرمودند نوشته شود اگر بعضی اعتراضی بفرمایند که پس چرا اینها را که موافقشان داخل هم بود جدا کردند عرض میکنم البته باید از هم جدا کنند برای اینکه اگر حالا دست يك وزیر است شاید بعد از این دست دو وزیر بیفتد و موافق مذاکراتی که در جلسات گذشته شد این قانون بر کشت در کمیسیون دوره این را مذاکره کردند و مجزا کرده به مجلس عودت دادند و گمانم اینست که این ترتیب بسیار خوبی است و چون معارف بعنوان وزارت بگذاریم و اگر اینطور نمی بایست شود پس چرا آن ترتیب اول را رد کردیم عقیده بنده اینست که به همین ترتیب خوبست بگذرد .

**حاجی وکیل الرعایا** - استخراج معادن که یکی از کارهای این وزارت خانه است راه آهن می خواهد اگر بگوئیم معادن را نداریم داریم دیگران هم می دانند که داریم راه آهن را در مملکت هر که می داند ایجاد کند مگر یک نفر وزیر اولش که او را ساقط کردیم میگوئیم وزیر نمی خواهد بعد میگوئیم که اداره راهم نمی خواهیم بعد چه می ماند همانکه بود بنده هم با همه آقایان شریک که مخارج را باید کسر کرد لکن نه باندازه که مملکت را از فایده بیندازد راه پول پیدا کردن از همین جاها است و به همین جهت است که بنده تصور میکنم که بعد از کارهای اولیه کاریکه لازم است تعیین يك وزیر خیلی خیلی باتدبیری است که وزیر فواید عامه است اولاً برای شروع صنعت و کشف معادن و یکی هم از برای ازدیاد تجارت از راه خودش نه از راه تجارت مملکتی تعیین راه ثروتی که پول پیدا میکنند اینک ما امروز اینطور مذاکره میکنیم معنی اینست که هیچ پول لازم نداریم برای اینکه یکی از راههای پول پیدا کردن همین جاها است برای چه پول نداریم برای اینکه سالها این دو وزارت خانه را نداشته ایم وزیرش بوده است اگر هم بوده است کسی با او هم خیال نبوده است و از برای ازدیاد تجارت از راه خودش و از راه ثروتی مملکت از همین راهها باید پول پیدا کنید این کارها را نمیکنیم آنوقت می نشینیم هی از برای

خودمان خرج تهیه می نمایم پس عرض میکنم امروزه باید قدری دقت شده همراهی شود که این اداره زودتر تأسیس شود برای اینکه یکی از چیزهاییکه در دست این اداره سپرده است جنگلها است که چیز کوچکی نیست اگر به همین حال بماند چیزی از او باقی نمی ماند و خیلی زود خواهد دید که دیگر نمی توانید بگوئید جنگل داریم برای اینکه خیلی اصلاحات لازم دارد و هکتار و بنده عرض میکنم که باید تقلیل کرد ولی نه باندازهیکه هیچ چیز نداشته باشیم و بجای اولی برگردیم این تقلیل ادارات هم يك نظری بود که تجربه کردیم که ادارات بعضی جاها بیش يك اندازه زیاد است اما باین اندازه هم که حالا برگشته ایم که همه چیز را کم کم این مثل این است که باز بجای اولی برگردیم و هیچ کاری اصلاح نمی شود عرض میکنم که تا اصلاح نشود پول پیدا نمیشود برای اینکه راه پول پیدا کردن همین است ما میگوئیم پول نداریم پول در همین جاها خواهد داشت دیگر بنده عرضی ندارم همینقدر عرض میکنم بگذردی بیشتر دقت بفرمائید که این نظر بما بین گرفته نشود نه مثل آنطوری که سابق در نظر گرفته بودند و نه مثل اینکه اعضائی که برای وزارت خانه لازم است کاسته شود اگر اینطور باشد تصور میکنم هیچ فایده و منفعت از این ترتیب نبریم .

**منتصر السلطان** - بنده تقاضا میکنم که بفرمائید این مواد را بخوانند چون حس میکنم که اغلب از نمایندگان محترم این را درست ملاحظه نفرموده اند و مجلس اینکه بدانند وظیفه اینها چه چیز است و اینها چه باید بکنند بفرمایند يك مرتبه این قانون خوانده شود که آنوقت بدانند که ممکن نیست چند اداره هم از عهد اینکار بر آید و ما که دو اداره کرده ایم منتهای ملاحظه را نموده ایم پیشنهادی از طرف آقای مهززالملك به عبارت ذیل قرائت شد .

ماده ۱ - دوائر اداره فواید عامه از قرار تفصیل ذیل است :

(۱) مدیر اداره (۲) دایره جنگلها و ابنیه و باغات و معادن و راهها و میاه

**بجهت** - مطلب چون بقدر لزوم تشریح نشده است باید عرض شود که منابع ثروتی که در مملکت ممکن است اداره شود و منافع کلی بدولت برسد همین جنگلها است که اسباب امیدواری ماست که بتوسط آن کسر خودمان را پر کنیم از اوقاف و غیره ممکن نیست فایده ببریم جنگلهائی که در مملکت ایران است اگر اداره شود میتواند گفت فایده ای از سالی سه کرور متجاوز است و بدبختانه تا امروز اداره نشده است حتی اینکه انگلیس ها درختهای کنار خلیج فارس را میاندازند برای کشتی ها کار میکنند و همینطور سایر جنگلها و جنگلهای مازندران و جاهای دیگر که اسمش را هم نشنیده ایم آمدیم بسر ابنیه یکی از قلعه جات شما قلعه سلاسل است که بتوسط گمرک اجاره کرده اند و فریب ده هزار تومان مصارف آنجا شد در صورتیکه ممکن



بود هفت هشت هزار تومان از آنجا عاید دولت شود همینطور تلگرافخانه و گمرک خانها و قلمهجات دیگر تمام اینها داخل دراینه هستند و یکی دیگر باقهای دولت می باشد بعضی از آقایان نمایندگان تصور میفرمایند که باغات منحصر بهمین باغات طهران است در صورتیکه دولت در اطراف و ولایات خیلی باغ دارد منجمله قصر و کرمانشاهان و همچنین سایر جاها است که بواسطه عدم مراقبت اغلب آنها خراب شده است. آمدیم بسر معادن یکی از معادن معادن خلیج فارس است که خیلی اهمیت دارد و همچنین معادن دیگر که در ایران است حالا شما میخواهید تمام اینها را رجوع بکنید بیک دایره خوبست خودتان به بینید یک دایره مختصر میتواند سالی هفت کرور را برای شما اداره کند حالا اگر تا بحال دیدید که کاری از پیش نرفته است این نه از این جهت است که اداره کار نکرده است و الا ادارات هست نهایت این است که باید یک امتحانی بکنند و اشخاص کافی را بیآورند همین که اینها کار نکردند دلیل این است که اینها را لازم نداریم شما چرا مالیات را نمی توانید زیاد کنید همین هفت هشت کرور عایدی برای شما حاصل خواهد کرد و از اینطور کارها بخوبی ممکن است که بر مالیات افزود و از این راه اقلش فریب سه کرور برای شما عاید خواهد شد اینها را باید اخذ کرد یا آنکه همانطور که سالها است مانده است بماند البته اینها را باید اداره کرد مثلا برای یک باغی که چند نفر باغبان لازم دارد بگویند چهار باغبان کافی است در صورتیکه آن چهار باغبان بواسطه زیادتی کارشان درست نمی توانند بعمل باغ رسیده گی نمایند موقع رسیدگی بمیوهجات یک وقتی خبردار میشوند که میوه جات رسیده و پوسیده شده و گندیده و ضایع شده و کلی ضرر وارد آمده است برای آنکه ملاحظه موجب و حقوق جزئی چند نفر را خواستند بکنند که صرفه جوئی شود و در ضمن دچار ده مقابل ضرر آن شدیم اگر بخوایم باینطور رفتار کنیم و تا این اندازه صرفه جوئی و در ضمن دچار ده مقابل ضرر آن شدیم اگر بخوایم باینطور رفتار کنیم و تا این اندازه صرفه جوئی نمایم این در حقیقت خیلی دوری است از ترقی البته این ادارات باید تشکیل شود و شعبات آنها کشیده شود بولایات تا بتوانیم کسر بوجه راپر کنیم این کارهایی که فایده دارد باید زودتر اقدام کرد که بشود زودتر از آن نتیجه گرفت

**افتخار الواعظین** - بنده بنا فرمایشات آقای بهجت مخالفم یک قانونی آمد بمجلس که آن قانون وزارت علوم و اوقاف و فواید عامه بود یعنی قانونی بود که با وزیر علوم و فواید و اوقاف ایران نوشته بود چون ادارات را در زیر یک دیگر نوشته بود و مجزا نکرده بودند در مجلس ایراد شد و قرار شد که مجزا کنند و بیآورند بمجلس آقای حاج وکیل - الرها یا گویا اشتباه کردند امروز گفته شد که بروید یک قانون وزارت فواید عامه و یک قانون وزارت معارف درست کنید و بیآورید از برای ما و گفتند که ادارات این سه وزارتخانه در این یک وزارتخانه اداره خواهد شد ولی از هم مجری کنید بنده عرض میکنم

اگر این قانون را برای وزارت فواید عامه انگلیسها می نویسیم اینها را لازم داشتیم لکن ما قانون اداره فواید عامه ایران را می نویسیم ما امروز بنابر تجربه که کرده ایم دیده ایم از تاسیس ادارات که فایده برده ایم زیادی مخارج بوده البته هر وقت که ایران دارای معادن مکشوفه شد تمام اهالی دارای کار شدند و خطوط راه آهن تاسیس شد و مثل سایر دولتمندانه ادارات ما مرتب شد و جنگلهای مهم مثل جنگلهای دولتمندانه صورت اداری پیدا کرد باید بحسب مقتضای وقت اداراتش را مرتب کرد و قانونش اجرا شود بنده عرض میکنم که قانون هیچوقت نوشته نمی شود مگر برای اجرا قانونیکه نوشته میشود برای سه سال یا ده سال یا ۲۰ سال بعد بنده عرض میکنم آن قانون نیست باید در همان وقتی که نوشته میشود شروع با اجرا شود قانون بسته است باسباب یعنی باید ببینیم بهر اندازه که پول داریم بهر اندازه که وسعت خودمان اداره تشکیل کنیم بلی وقتی که آمدند تمام معادن ایران را از ما امتیاز گرفتند و مشغول شدند آن روز ما باید یک اداره فواید عامه تشکیل بدیم که دارای دوائر و شعب باشد ولی بدبختانه بنده می بینم که تا امروز هر امتیازی که باینجا آمده است ما در آخر آن امتیاز قید می کنیم که شرکت با اتباع خارجه نشود و بنده عرض می کنم که این یک صد سیدی است که جلوتر قیات ما را می گیرد بر فرض یک وقتی دولت یک امتیازات غیر صحتی داد این سبب نمی شود که ما امروز خائف نشویم و در تمام امتیاز خودمان این کلمه را در آخر قانون قید کنیم که اتباع خارجه نداشته باشند یا اینکه می دانیم که سرمایه ما نمی تواند معادن ما را اداره نماید سرمایه ما نمی تواند خطوط راه آهن برای ما راه بیندازد بنده عرض می کنم باندازه که ما امروز پول داریم و اسباب داریم و می توانیم قانون را اجرا کنیم بهمان اندازه باید اداره تشکیل کنیم باندازه که ۲۰ سال بعد اداره لازم داریم لازم نیست که امروز قانون وضع کنیم پس امروز باید برای رفع احتیاجات فوری خودمان قانون وضع بنمائیم برای ده سال بعد که کارها وسعت پیدا می کند قوه مقننه همان وقت یک قانونی وضع خواهد کرد و قوه مجریه اجرا می کند پس امروز همانطوریکه بعضی از نمایندگان محترم فرمودند خوبست اداره اوقاف و معارف و فواید عامه در تحت اداره یک وزیر باشد بعضی اعضای دیگر هم لازم ندارد باین جهت بنده تصویب می کنم که باغات و معادن و راهها و میاهم در تحت یک دایره باشد .

**رئیس** - همین قدر عرض می کنم که آقایان فراموش کردند خودشان اصرار داشتند که این لایحه بر گردد تفکیک شود حالا این مذاکرات را میفرمایند اینکه اینجا نوشته شده است وزیر فواید عامه امروز لازم نیست که بمحض این که این قانون گذشت فوری وزیر فواید معین شود این قانونی است که برای اداره فواید عامه نوشته اند و معلوم است که فعلا اداره فواید عامه و علوم یکی است و پس ما

یک وزیر یک مدیر یک ترتیب محاسبات خواهیم داشت و حالا مذاکره در این است که آیا این اداره دایره باشد یا یک دایره باقی مذاکرات زیادی است .

**حاج آقا** - بنده کاملا با این فرمایشی که فرمودید موافقم و هم چنین در اینکه ماده اول و دوم باید باشد نهایت این است که در مقام بودجه نباید تصویب کنیم و چون رأی داده ایم که باید این دو قانون از هم دیگر تفکیک شود بالواسطه نمیشود توأم باشد ولی این مسئله را عرض می کنم ما نباید آن نقطه نظری را که در آنوقت داشتیم فراموش کنیم در این ماده سیم اگر چه ما بخوایم فقط لفظ اداره را برداریم و بجای او دایره بگذاریم و اشخاص هم همان اشخاص و بودجه هم همان بودجه که بود باشد هیچ فایده ندارد بکلی نقص خواهد بود تا وقتی که تبدیل اداره بدایره فرار دادیم برای این بود که رئیس اداره را یک مواجبی و رئیس شعبه هم یک مواجبی داشت و مواجیشان خیلی فرق میکنند و اما این مطالبی که آقایان می فرمایند نظیر همان مطالبی است که در موقع لایحه امتیاز چرم سازی و صابون سازی می گفتند و گمان می کنند که ما نمی خواهیم اداره شود و گویا خیال می کنند که یک کسی هست اینجا که مخالف باشد و بگوید که جنگلهای ما نباید اداره شود یا اینکه باغات و راهها نباید اداره شود گمان نمی کنم که یکی از افراد این مملکت بگوید که نباید باشد لکن بنده می گویم اگر ما امروز ده تا منبر و صندلی دیگر در طهران زیاد کردیم آیا فردا ما از ندران کرمانشاهان عربستان و از تطاول داخله و خارجه محفوظ میماند یا آنکه میگویند اشخاص کافی بیآورید کار بکنید اگر اشخاص مملکتان همین اشخاصند که ما می بینیم از زیاد کردن دایره هیچ فایده نبرده ایم و هیچ نمره از آن ندیده ایم تا وقتی می توانیم این معادن و ثروت خودمان را حفظ کنیم که قوای نظامی خودمان را تکمیل کنیم با قدرت قشون و حکومت این فواید را حفظ کنیم ولی مادامیکه از این قشون و حکومت محروم هستیم هی اداره زیاد کنیم هیچ فایده غیر از ضرر بودجه نداریم و بجهت این بود که پیشنهاد کردم که این ادارات را یکی بکنند .

در این موقع پیشنهادی از آقای فهیم الملک بمبارت ذیل قرائت شد .

این بنده پیشنهاد می کنم ماده اول اینطور نوشته شود .  
(۱) اداره جنگلهای و ابنیه و باغات و معادن و طرق و شوارع و میاه بکنند مدیر کل خواهد داشت ترتیب تعیین شعب جزء بسته برای وزیر بلاواسطه اداره مزبور است که موافق مقتضیات موقع و اهمیت کار شعب این اداره را معین خواهد نمود .

**منقصر السلطان** - در این مسئله که این جا مذاکره کردند بنده همراه نیستم فرمودند که این ترتیب طرق و شوارع مرتب نیست چه باید کرد چه خواهد شد این با قوه مقننه است که بخواید از هیئت دولت که چرا اینکارها مرتب نمی شود و

چرا مجازات نمی دهند و بواسطه نبودن مجازات است که این کارها تابعال اینطور شده است و چگونه می توان تصور کرد که این دو ماده یکی شود در تحت یک اداره در صورتی که یک اداره فرض بفرمائید باید اجازه بدهد باید قرار آنکار را بدهد مثلا یکی از کارهای اینها معادن است که باید امتیاز بدهد یا بعضی کنترات ها به بند یک کلکسیون تشکیل بدهند و بیورند در وزارت معادن که هر کس بخواهد کلکسیون را بخواند در زیر سنگی گذاشته شده است و کتابچه مخصوص باشد که بیاید آنجا و بنویسند که این معدن در فلان نقطه است چقدر است اسم او چه چه است چقدر فقره دارد و ملاحظه کرده ایم و نقشه های این معادن از چه شکل است هر کدام چند ذرع در چند ذرع است یا اینکه در فلان جا نطف پیدا شده است بچه ترتیب و بچه شکل یکی هم معادن است که چندین کارها دارد از قبیل نمش کشی و غیره و یکی از آنها جنگل است که تقریباً شصت و هشت یا هیجده فرسخ جنگل های بحر خزر است بعضی جاهای است فرسخ بعضی کمتر بعضی بیشتر همچنین بعضی جاها یک فرسخ و بعضی جاها بنهات و همینطور سایر جاها ما نباید اینکارها را بکنیم برای اینکه پول نداریم بنده میگویم و عرض میکنم حکما باید دوائر خودمان را مرتب کنیم بنده شخصا متقاعد نمی شوم و میگویم پول ندارید باید فرض کنید و آنکارها را بر کردید اشخاصی که دار نکردند و تعلق کردند مجازات بدهید و حاضر شوید برای این کار یک لحظه راحت نکنید تا آنکه اداره فواید شما صورت اداری پیدا کند عایدی پیدا کند و آسایش برای اهالی این آب و خاک فراهم نمائید بمقیده بنده اگر بیائیم اینجا بنشینیم و قانون وضع کنیم و بگوئیم چون پول نداریم نباید این ادارت تشکیل شود این هم یک ضرری خواهد بود بر مملکت یکی دیگر هم در باب اینیه بود یک فقره از آن اینیه را بشما نشان میدهم در یکی از اماکن مقدسه که در جوار حضرت معصومه است امام زاده است و خشت هانی از کاشی دارد که مبالغی قیمت دارد و یکی از خشت هایش را دزدیده بودند و از قراریکه تحقیق شده است برده بودند در فرنگ و چند هزار فرانک فروخته اند و حالا از طرف وزارت فواید عامه مأمور مخصوص فرستاده شده که آنها را محافظت کنند و همچنین مقبره شیخ صفی در اردبیل که یکی از اماکن محترمه است در آنجا کاشی های قیمتی است و بعضی چیزهای دیگر که بواسطه نبودن اداره اوقاف ما نمیدانیم که چه خبرها در آنجا هست و چقدر سرفقت شده است مطلع نیستیم که چه بوده و چه نیست برای اینکه اگر مطلع بودیم اینجانبی نشستیم بگوئیم که این اداره امروز لازم نیست مدتها است که اسباب و آلات این اماکن مقدسه را سرفقت می کنند و میبرند و تصور نمی فرمایند از این قبیل اماکن مقدسه سه هزار ها داریم که هیچ خبر نداریم و داریم دارند خشت ها و اسباب های آنجا را سرفقت می کنند و اشیاء آنها را می برند این یکی راجع به اینیه عتیقه و جدیده که

باید بتمام اینها رسیدگی کنند و دیگر مسجدهای کهنه از جمله یکی مسجد جمعه اصفهان که دارای کاشی های قیمتی است و قفس علیهدایکی دیگر مسئله راهها بود که قبل از وقت توضیح دادم چگونه میتوانیم با تمام این کارها یک اداره تاسیس کنیم این همه چیزها و کارها که هر یک از آنها کنتراتشان و ترتیباتشان چه اندازه کار دارد و لاینقطع محتاج میشوند بیک اداره مخصوص برای ترتیبات کارشان یکی دیگر در باب دریاچه شاهی است و چقدر مذاکره لازم دارد این است که بنده حقیقه عقیده ام این است که وزراء و ادارات خیلی کار کرده اند ما نباید باین اندازه قدرناشناس باشیم این کارها که در ایام قدیم مجری می شد یا اینکه رسیدگی می شد تا چیزی می شود میگویند صندلی و میز زیاد بکنیم بنده عرض میکنم که این صندلی و میز بسیار خوب کار کرده است چون ما خارج از این شهر نرفته ایم که بدانیم چقدر کار کرده اند و چون اهل کار نیستیم نمی دانیم چقدر از وزارت خانها خیلی متشکریم و می دانم چقدر کار کرده اند و چون اهل کار نیستیم نمی دانم بنده از وزارت خانها خیلی متشکر هستم و میدانم چقدر کار کرده اند و ما داریم لاینقطع مردم را از خودمان مایوس میکنیم و یک چارو برداشته ایم تمام اینها را جاروب می کنیم .

**رئیس - مذاکره در این ماده کافی است حال شروع می کنیم بشور در ماده دوم ماده دوم عبارت ذیل قرائت شد .**

**فصل دوم در وظایف وزیر و اعضاء ادارات .**  
 ماده ( ۲ ) وظایف وزیر ( ۱ ) مسئولیت صحت عمل در مصارف اداری هر شعبه ( ۲ ) ترتیب لوایح قانونی و اجرای قوانین موضوعه در تصویب و تکمیل امور فوائده عامه .

( ۳ ) ترتیب شعبه و دوائر وزارت خانه در ایالات و ولایات .  
 ( ۴ ) حفظ ارتباط ادارات وزارت فواید عامه با سایر دول .  
 ( ۵ ) سعی در ازدیاد منافع و عایدات دولت از منابع طبیعی مطابق قوانین موضوعه .

( ۶ ) دقت و مراقبت در مواد فصل امتیازاتی که راجع بفواید عامه پیشنهاد می شود .

**آقامیرزا احمد -** در فقره سیم نوشته است ترتیب شعب و دوائر ایالات و ولایات بعد از آنی که در مرکز دایر شد در ولایات شعب است و این دوائر زیادی است .

**افتخار الواعظین -** بنده باز عرض اولیه خودم را تکرار میکنم که اگر مراد از این قانون این است که بدهام هر قدر که توانستیم در ایالات و ولایات بر حسب اقتضای وقت شعب و دوائر تاسیس نمائیم و امروز که این قانون گذشت مجرا نخواهد شد بنده تصویب میکنم و الا اگر غرض گذشتن این قانون از مجلس شورای ملی این است فوراً اداره و شعبی در مرکز ولایات تاسیس شود و ملاحظه بردجه و مقتضیات زمان نشود بهیچوجه من الوجوه همراه نیستیم .

**فهم الملك -** در امور راجعه به اداره

جنگلها و غیره اینجا در بالا نوشته اند وظایف وزارت فواید عامه و بعد در اینجا نوشته است وظایف اعضاء و غیره و چیزهای دیگر وزارت داشتن اهمیتی ندارد و زیر یک لایحه پیشنهاد میکنند میگویند در فلان نقطه فلان مخارج لازم است نباید بگویند در ایالات و ولایات لازم نیست که در اینجا نوشته شود زیرا که دایره و شعب بسته بنظر وزیر است چنانچه صلاح بدانند معین می کند و لایحه پیشنهاد میکنند که در فلانجا هم فلانقدر مخارج امروز لازم است و در اینجا قید کردن این هیچ لزومی ندارد دیگر می نویسند سعی در ازدیاد منافع طبیعی موافق قوانین موضوعه وزیر تکلیف نیست که قانون را به موقع اجرا بکنند اگر حالا منافع زیاد نشد دیگر وزیر چه مسئولیت دارد بنقیده بنده این مسئولیت زیادی است از زیاد منافع باشد ولی این مسئولیت بی جا است نباید باشد .

**حاج وکیل الرعایا -** تقریباً اینکه اینجا

ذکر کرده است اگر قدری روشن شود که ان میکنم اشتباهی باقی نماند این است که اول یک اشخاصی را برای خدمت معین می کنند و از آنها اصلاحات می خواهند اگر ما میخواهیم بان اصلاحات برسیم قبل از اینکه آنها را بان اشخاص و ادار کنیم دیگر در هیچ جای عالم بنده ندیدم که از کسی مسئولیت بخواهند اینها اول یک مقدمه هم دارد مقدمات اول آن وزیر است بعد از آن تقسیم کار سعی نتیجه کار از ابتداء جلو کار را بگیریم به نتیجه نرسیم و اینها را چون مقدمه کار می دانیم کمان می کشیم که اسراف می کرده باشیم یا بیجهت تصور نمی کشیم که بشود اینها را تصویب کرده اگر بخواهیم وضع ما بحال حاله نماند اگر بخواهیم بحال حاله بماند خیلی از این چیزها را می شود ترک کرد و اگر خواسته باشیم به نتیجه برسیم نباید داشته باشیم ممکن است که منتظر شد این کارها را از فرار صدی بیست و پنج بتوانند اصلاح کنند و اما اینکه یکی از آقایان فرمودند راه این تا چند سال دیگر ممکن است بنده می دانم ممکن نیست ولی عرض می کنم اگر شما یک وزیر باتدبیری داشته باشید تا سه سال دیگر ممکن است که راه آهن داشته باشید فقط مانع شما نداشتن وزیر است چه ندارید برای چه معطلید تمام اسباب موجود است فقط برای نداشتن آدم معطل هستید بعضی از آقایان دائم اظهار می دارند که ما خیلی از بودجه کسر داریم در صورتیکه بنده اطمینان میدهم که در این مدت که یک دوره تقنینیه است دولت مخارج خودش را کرده است و حقوق فسون و انتظامات اداره مملکت را هم پرداخته اند از عایدات مملکت و قرض نکرده است

**آقامیرزا احمد -** آقای فهم الملك دو سه اشکال در این جا کرده اند اشکال اولشان این است که ریاست وزیر در این جا نوشته نشده است اگر نظری بفرمائید در وظایف مدیر کل خواهید دید در ماده راجعه به مدیر کل مسئول در نزد وزیر است در تمام دولت و تمام ادارات و شعبات مسئول دارند در نزد وزیر اما در باب دایره دوائر لازم نیست که بگوئیم وزیر مسئولیت دارد بواسطه آنکه وزیر

ریاست عالیہ دارد اما این که در مسئله سیم فرمودند که ترتیب شعب در ولایات و ایالات باشد لازم نیست بنده عرض می کنم اگر وزیر مصلحت دید خواهد کرد پس بآن قاعده باید بگوئیم هیچکدام لازم نیست بجهت آنکه تمام همبطنطور است البته باید معین کرد که اگر یک وقتی عمل کرد بر طبق این ماده از او استیضاح شود اما اشکالی که در مسئله سعی در ازدیاد فرمودند خیلی غریب است سعی در ازدیاد منافع فرار زیاد شدن منافع است وزیر اول سعی خودش را باید بکند منتهی اگر زیاد نشد او مسئول نیست البته او باید سعی خودش را بکند و مسامحه و ملاحظه اکر نماید مسئول است پس مسئولیت سعی در ازدیاد است نه در ازدیاد .

**فهم الملك** - می فرمایند که این جا نوشته شده است مدیر کل مسئول وزیر است درست است اینجا نوشته شده است که او باید اداره را منظم کند بهمان ترتیب که نوشته شده است و برای این است که آن قسمتی از کارهای دولتی که در آن قسمت از وزارت خانه باید بشود مخصوصاً مسئولیت آن مدیر باید معین باشد این یک چیز اساسی است مخصوصاً در این مملکت که تا کنون نیست وزیر داشته است و حالا که می خواهید کارها را بطور قانونی اداره کنید وزیر رسیدگی بکدام یک از شعب دولتی میتواند بکند در این جا که می نویسد رسیدگی با موارات ادارات با مدیران باید باشد اولش مسئولیت در کارهای مرجوعه است در حدود آن قرارداد منظور خواهد شد ولی این ماده هم که نوشته شده است در جزء وظایف وزیر نباید این مطلب معلوم شود زیرا که این جا می نویسد مدیر جنگل ها و معادن بعد مسئولیت صحت عمل در تصرف زداری شعبه دیگران ترتیب را معین نکرده است حفظ ارتباط فواید عامه با سایر دول معین اگر مدیر جنگل ها خواست با خارج یک امتیازی بدهد میتواند آن مدیر رابطه داشته باشد و وزیر او را باید حفظ کرده باشد در صورتی که این وظیفه وزیر است باشعوب نیست نه باسم مدیر ادارات و نه باسم مسئول شعبه .

**آقا شیخ ابراهیم** - به عقیده بنده اینها که این جا نوشته شده است تمام را می خواهد همه از وظایف وزیر است اجرای اینها هم باید بشود وظیفه وزیر مسئولیت اجرای قوانین و ترتیب لواحق قانونی و اجرای وظایف تمام در تحت این است بلکه این کافی است اگر بخواهیم شعبه بکنیم زیاد می شود بدیهی است معلوم است که وزیر در تمام اینها مسئولیت دارد .

**رئیس** - مذاکرات بقدر کفایت شد بقیه این قانون میماند برای جلسه آتی حالا یک تقاضائی شده است از طرف چند نفر از نمایندگان که به ملاحظه اهمیت فارس کمیسیون مرکب از شش نفر باو کلای فارس تشکیل شود که بروند باوزرا مذاکره نمایند که هر چه زودتر ترتیبی برای آن داده شود .

آقا میرزا ابراهیم خان تقاضای مزبور را که ذیلا نوشته میشود قرائت نمود .

د ملاحظه اهمیت موقع فارس تقاضا از مجلس داریم که کمیسیون مرکب از شش نفر انتخاب شود که باو کلای فارس وزرا را ملاقات کرده و اهتمام

مجلس در اصلاحات جنوب را یادآوری نموده که هر چه زودتر ترتیب اصلاحات فارس داده شود و امر جنوب بگذرد ( امضا کنندگان حاج سید ابراهیم نماینده فارس باه ۱ نفر دیگر از نمایندگان ) .

**افتخار الواعظین** - بنده همین قدر می خواستم عرض کنم که غرض از انتخاب این کمیسیون مداخله در اجرائیات نیست غرض این است که یک مدد فکری بوزیر بدهد و یک نظری داشته باشد در اینکه هیئت وزرا در اصلاح امور جنوب اهالی بنمایند و مدد فکری بآنها بدهند که در تنظیمات امر جنوب بیشتر از آنکه مقتضی است اهتمام نمایند .

**ارباب کیخسرو** - اهمیت مسئله جنوب را بنده فوق این اظهارات می دانم و در باب اهمیت آنجا یعنی ندارم ولی عرض می کنم که انتخاب کمیسیونی مخصوص بجهة مداخله در تعیین حکومت و امثال آن از وظیفه قانونی ما خارج است و در صورت لزوم مدد فکری هم باید وزیر مسئول چنین تقاضائی بنماید فقط وظیفه ما این است که جدا از وزیر مسئول حاکم و امنیت کلیه فارس و سایر نقاطی که بی حاکم و مغفل است بخواهیم در صورت غفلت وزیر در تحت سؤال و استیضاح بتکلیف خود عمل نمائیم غیر از این بنده معنی تعیین کمیسیونی از طرف مجلس مخصوص اینکار که بروند با وزیر مشغول مذاکره و سؤال و جواب شوند نمی فهمم .

**حاج مصدق الممالک** - بنده خواستم عرض کنم که اگر چنین کمیسیونی لازم است تشکیل شود اختصاص بفارس ندارد برای این که اغلب ولایات حکام ندارد چرا یک توجه بغرب نمی کنید چرا بکردستان توجه نمی فرمائید و همبطنطور بروجرد لرستان که دو ماه است که بی حاکم مانده است اگر چه کمیسیونی لازم باشد چرا برای تمام ولایات معین نمی کنید .

**معاذ السلطنه** - بنده به بعضی مناسبت یک قدری اهمیت می دهم باین کمیسیون واگرو کلا دقت بفرمائید در تشکیل این کمیسیون مبادانند که این کمیسیون خیال دخالت در اجرائیات را ندارد چنانچه سابقا در وقتی که می خواست اردو برای آذربایجان برود چند نفر ازو کلا رفتند و همبطنطور در مسئله زنجان و کاشان بنده و آقای میرزا اسمعیل نوبری رفتیم و چند شب و روز مشغول شدیم حتی در صورت حساب بنده سند دادیم در وزارت مالیه تا این که لوازم تهیه شد و ابوالقاسم خان رفت برای دفع اشرار باین جهت بنده تقاضا می کنم که این شش نفر را همانطور که تقاضا شده است خود آقای رئیس انتخاب بنمایند که بروند آنجا و برای ترتیبات که لازم است از پول وغیره هر طوری هست سعی کنند که زودتر اردوئی بآنجا برود و زودتر امر آن نقطه اصلاح شود .

**حاج شیخ اسدالله** - اینکه پیشنهاد شده است که این کمیسیون انتخاب شود بنده نمی دانم مجلس شش نفر را انتخاب کند که بروند چه بکنند حاکم معین کنند بجا چه ربطی دارد مداخله در اجرائیات من نمی دانم این کمیسیون چکار باید بکند اصلاح امر فارس بما چه ربطی دارد این کمیسیون را شاید انتخاب بکند و کاری از پیش

نرود آنوقت می گویند کردن مجلس است الان سه ماه است فارس حاکم ندارد و هر چه سؤال و استیضاح کردیم حاضر نشدند که جواب بدهند وقتی که کار باین جا رسید یک همچو بلیه مبتلا شدیم حالا می گوئیم مجلس باید کمیسیونی معین کند که بروند مذاکره کنند بنده نمی فهمم مقصود از این مذاکره چه چیز است و این کمیسیون چه کار باید بکند پس افلا خوبست زمین کنند که این شش نفر بروند چه بکنند آنوقت به بینیم که رأی باید بدهیم یاخیر .

**حاج سید ابراهیم** - بنده لازم نیست خاطر نمایندگان را از اهمیت فارس مسبوق نمایم که چه موامی برای اصلاح آن در پیش است ولی در جواب آقای ارباب کیخسرو عرض می کنم که بعضی تملکرات فارس را که ما دیدیم در روزنامه درج کردند ایشان بداعتراض کردند که شما نمایندگان دارای مقام رسمی هستید چرا این تملکرات را ندادید بر رئیس که اقدام صحیحی بشود بنده عرض می کنم البته وزیر وقتی که تاخیری در کارش شد یا بواسطه مانع یا بواسطه قصور مقتضیات باید نماینده بمجلس اظهار کند و مجلس آنوقت حق سؤال و استیضاح را باو می دهد ولی در مملکت ما آن ترتیب چون معمول نیست و همین که میگوئیم ولان کار را بکن بمثل مشهور ( نداده بنیاد دیدنش فرمود ) و بوزیر میگوئیم حتی انظام بده اما آنچه بظن خودت می رسد نکن و بملاحظه همان اصرار و ایرادات خود ارباب که شما چرا بمجلس اظهار نکردید و از مجلس نخواستید لهند بنده ( یکی از نمایندگان فارس هستم و سایر نمایندگان فارس همه یک اندازه از سایرین در این خصوص بیشتر مساعدت کردند گفتیم که طریقی را که مجلس میتواند مساعدت کند این است که کمیسیونی انتخاب نماید برای این که مجلس نمی تواند یک روز رسمی را صرف اینکار کند کمیسیونی تشکیل میشود و این کار را می کند یعنی اگر قصور مقتضیات وجود مانع است که رفع می کنند و اگر نیست تا کبدمی کنند زیاد بر این عرض ندارم و عقیده من این است که مجلس این کمیسیون را انتخاب کند و ما را مجبور نکند که صریحاً بگوئیم موافق خارجی چیست و مانع کیست

**حاج آقا** - بنده در انتخاب این کمیسیون همانطوری که آقای معاضد السلطنه تقاضا فرمودند مخالفتی ندارم ولی این معنی را می خواستم خاطر نشان آقایان بکنم که فراموش نکنند که روح مشروطیت و حقیقت سلطنت ملی را آنهاستیکه بصیرت داشتند و از این مقامات بخوبی آگاه بودند تفکیک قوای ثلثه از یکدیگر گفتند یعنی قوای مملکتی را که در قانون اساسی مینویسد سه فقره است اصل قوه مقننه و دوم قوه قضائیه و سوم قوه اجرائیه عقبش هم مینویسد که این قوای ثلثه از هم منفصل و ممتازند و هر دولتی که بخواهد اصول مشروطیت را در مملکت خود مجری بدارد این اصل را باید سرمشق خود قرار بدهد اما چون ترتیب کارها تان از این مطالب گذشته است عرض میکنم که من مخالف نیستم با اینکه یک کمیسیون از مجلس منتخب شود ولی این مطلب را مجبورم بگویم که بواسطه

ملاحظه بعضی هائیکه حقشان نبود در امور مملکتی مداخله بکنند بود که این قدر مداخله کردند و کردند تا کارها را بجائی رسانند که ما مجبور شدیم از تمام ترتیبات خودمان دست برداشتیم و میگویی امروز دست بدست همدیگر داده کاری بکنیم که شاید اصلاحی بشود و تمام این تقصیرات حقیقت این بی ترتیبی کردن آن کسانی است که میآیند اینجا محل نطق قسم بخورند و میایستند و عنوان میکنند که چنین و چنان در راه مشروطیت و وطن خدمت کرده ایم و میگوئیم ولی حقیقت استبداد و تخطیط قوای ثلثه دولتی را آنها اجرا میکنند و وقتی که قوه مجریه مهیا میشود از برای اصلاح ترتیبات امور مملکت گذشته از اینکه مانع میشوند تهدیدش هم میکنند و از تهدید هم باک ندارند و ما در این مدت یکسال دیدیم که قوه ثلثه بواسطه این مداخلات و تهدیدات چه شده قوای دولتی منحصر شد و قوای ثلثه تماماً در یکدست گرفته شد گاهی با هم ضدیت میکردند و گاهی اعمال همدیگر را تنقید مینمودند و گاهی هم متوقف میکردید بدلیخواه یک نفر و بعد هم دیدیم که از بچنگ گرفتن قوای دولتی یک دست و از مداخله یک نفری که مداخله او برخلاف وظیفه است و برخلاف وجدان و خلاف قانون و قسم ما است نتیجه وفایده اش این شد که استبداد عود کرد و الان ناچار شدیم از اینکه بگوئیم که قوه باو منحصر است و هر ترتیب غیر مشروعی را میخواهد در مملکت میکند و ما هیچ نگویییم باینکه همان متعلق هستیم و میدانیم اینکار برخلاف قسمی است که خورده ایم و برخلاف اساس حریت و آزادی است که خونهای جوانهای ایرانی برای آن ریخته شده است اینها را میدانیم که برخلاف تمام این مطالب است و معذک بهم میگویییم نباید مخالفت کنیم چون قوه مان همین است بنده عرض میکنم این را نباید بگوئیم و نباید مرعوب بشویم و باید ملتفت باشیم که خودمان باعث شده ایم که نقشه انحصار قوا پیشرفت که حالا در قضیه جنوب بواسطه ناچاری اینکار را میکنند و بنده موافقم باینکه باوزرا باید کمک فکری کرد و رأی هم در باب تشکیل این کمیسیون بدیم ولی جداً میگویییم تا قوای این مملکت در تحت یک مرکز نیست نیامده است و تا قوه مجریه نتواند مملکت را با اختیار خودش اداره کند و نتواند مختارانه اقدام در کارهای راجع بخودش بکند و با هیئت دولت در حوزه مسئولیت خودشان مختار نباشند و تا یک نفر بختیاری بیمل خودش تصرفات مالکانه در قوه دولتی میکند و نمیداند که او بایک نفر از افراد این مملکت مساوی است و اگر شرفی داشته باشد شرف خدمت بملت و نوکری افراد این مملکت است و اگر یک روزی از این جاده خدمت بملت منحرف شده ایم قوای ملی که مرکب از بنده و سایرین است همان قوای ملی که او را از اولین درجه ذلت بلند کرده و باعلی مرتبه سعادت رسانیده همان هائیکه محمد علی میرزا را از تخت سلطنت کشیدند او را پائین خواهند آورد این اقدامات مفید فایده نخواهد بود و هیچ شبهه ندارد که باید هر کسی که اینکار را میکند این معنارا بداند و بفهمد بنده اینمطلب را اینجا علناً میگویییم و هیچ پروا از تهدیدات ندارم برای اینکه میدانم اگر کشته شوم ملت ایران میفهمند و میدانند که یک نفر وکیل نماینده شان بود که بی ترس و بی پرده حرف زد و

حق شناس می باشد و نخواهند گذاشت خون من با مال شود  
**حسنعلی خان** - بنده عرض می کنم که يك قسمتی از فرمایشات آقای حاج آقا خسار از موضوع خیلی راجع باین پیشنهاد نبود ولی دو کلمه هم بنده لازم میدانم عرض کنم و آن این است که نمایندگان ملت وقتی که در مجلس شورای ملی جمع میشوند بهیچوجه نمی شود گفت فلان وکیل فارس است و فلان وکیل عربستان است و هر يك از وکلا نماینده تمام این ملت و مملکت و وکیل تمام نقاط ایران هستند و بنده عرض می کنم هیچ شبهه و شک نیست در این که قانون اساسی تصریح می کند که قوای ثلثه باید از هم مجزا و منفصل باشد این را بنده هیچ اشتباه ندارم و می دانم که این یکی از چیزهایی است که سایر ممالک آن را در قانون اساسی خودشان قید کرده اند لکن ما باید بهیچیم که حال امروزه مملکت آنطور نیست که بگویند يك همت نفری بروند و يك گوشه بنشینند و نظریات خودشان را در اصلاح امور بقوه مجریه بگویند و بوزرای خودمان بگویند که ما بشما کمک فکری و نه کمک عملی می کنیم و هر روزیکه از شما خطائی سر زداشما استیضاح خواهیم کرد سؤال خواهیم کرد امروز آن روز نیست امروز آن روزی است که همان طوریکه آقای حاج آقا فرمودند ما دست بدست هم بدیم و اموری مملکت را اداره کنیم مگر دست بدست هم دادن عیب است مگر وزراء از افراد این مملکت نیستند ما نباید کان ملتیم آنها هم نمایندگان دولت هستند نمایندگان دولت و ملت باید هم کاری کنند و از معلومات همدیگر استفاده کنند و یکی از اشخاصی که این تقاضا را امضاء کرده است بنده هم عرض می کنم که حال امروز فارس طور نیست که باید خیلی او را اهمیت داد آقای حاجی مصدق الممالک که اختیصاص بفارس ندارد صحیح است باید برای تمام نقاط زودتر حاکم معین کرد و اصلاحات نمود ولی البته در روزنامهجات که خوانده اید میدانید که موقع امروزه فارس خیلی باریک تر از این است که در مجلس يك ساعت از آن ملا سره صحبت کنیم و در این چند روزه اقداماتی نشده است و واقماً يك حکومتی منصوب نکرده اند و يك قوای نفرستاده اند بنده ام این مخالف قانون اساسی میدانم که يك هیئتی بروند و از وزیر داخله و هیئت دولت بخواهند که شما یاد تافلان ساعت يك ایالتی برای فارس معین کنید این را بنده ابدأ و بهیچ وجه خلاف قانون نمی دانم بلکه از حقوق مشروعه خودمان میدانم بجهت اینکه اگر خدای نخواستہ صدمه از برای هر يك از نقاط این مملکت وارد بیاید آیا وزرا تنها مسئولند یا نه خیر تمام ماها مسئولیم این حرف کدام است موقع از اینها گذشته است بنده عرض می کنم که شما يك کمیسیون تفتیش معین می کنید که برود در امران تفتیش کنند چه شما را دادار میکند که این کار را بکنید برای اینکه می دانید اگر امران منظم نباشد اصحاب زحمت شما و سلب آسایش و راحت از مردم می شود و دچار اشکالات خواهد شد

بهمین جهت بنده عرض می کنم که اهالی فارس در يك زحمتی هستند ولی حکومت آنها را دچار اشکالات و سختی خواهد کرد تقاضا میکنم که يك کمیسیونی از مجلس انتخاب و بهتر این است آقای رئیس خودشان انتخاب کنند برای اینکه اشخاصی را مناسب میدانند انتخاب خواهند نمود و فکر هم نکنند که حکما و دلای فارس باشند خیر بنده عرض میکنم و کلای کهلان باشد از تهران باشد از خراسان باشد و همین طور از سایر جاها هیچ فرق نمی کند بجهت اینکه این وکلا تمام وکلای این مملکت و نمایندگان همه ملت ایران می باشند و باهم هیچ فرقی ندارند .

**کاشف** - بنده عرض می کنم ولی خیلی مختصر است از بس مذاکرات میشود در آنجا [محل جلوس] شنیده میشود آدم اینجا (محل نطق عرض کنم) ما خوبست تا اندازه آنجریات متنبه شویم بعضی از آقایان اظهار میسازند که در این موارد باید سؤال یا استیضاح کنیم بنده عرض می کنم که ما باید از حال فلت زده هائی که در فارس هستند آگاه باشیم و مدعی تامل کنیم و تصور کنیم آنها در چه حال هستند مدتها است که آنها در آن رفتارها میسوزند و ما بآنها محل نگذاشتیم و هر وقت هم که پادشاهداری میکنیم باز بتأخیر انداختیم و بنده در این پیشنهاد هیچ ایرادی نمی بینم که بار هم بعضی ها ایراد بگیرند بعضی آقایان همچو تصور کردند که این کمیسیون برای مداخله در اجرائیات است خیر اینطور نیست این کمیسیون برای این تشکیل میشود که برود و يك تا کیدی کنند در این که هر چه زودتر يك حکومت معین شود که بعد از این مردم آنجا در تزلزل نباشند و با آن تفصیلاتی که آقایان از اوضاع مالیه فارس گفتند دیگر بنده نمیخواهم تکرار کنم عرض میکنم که خوب است بیش از این در اینخصوص مذاکره نکنیم و بکپاریم زودتر بگذرد

**شیبانی** - بنده يك کلمه بنظر رسیده است لازم است عرض کنم اینکه آقایان میفرمایند که تکلیف ما نیست در قوه مجریه مداخله کنیم عرض می کنم مداخله آن است که مخالفت بکنیم با رأی وزیر لکن موافقت کردن با خیال او مداخله نیست و گمان میکنم که تکلیف مشروع ما است و اگر در يك همچو موردی با وزیر جنگ فکری نکنیم پس کمی خواهیم کرد و دیگر در لزوم این کمیسیون عرض نمی کنم .

**حاج شیخ اسدالله** - بنده عرض کردم و باز عرض خودم را مکرر میکنم (اگر وکلا با بنده مساعدت کنند) بنده نظرم هست که باو کلای فارس در زمانیکه با حکومت عین الدوله بود رفیق پیش وزیر التماس کردیم اصرار کردیم او بعضی چیزها با ما پیشنهاد کرد و ما بقت نتیجه نداشت حالا بنده عرض می کنم که اگر بنا بود در این موقع هم یکمده ازو کلا انتخاب و بروند خوب باشد یا بد اگر چه انشاء الله خوب است ولی اگر خدای نکرده يك وقتی سوء نتیجه حاصل شد تمام تقصیرها گردن ما می افتد و اگر

نتیجه خوب حاصل شد ربطی به مجلس ندارد و راجع  
بما نیست.

**ارباب گیخسرو** - اینکه آقای حاج سید  
ابراهیم فرمودند که بنده بایشان ایراد کردم بنده  
ایراد نکردم که چرا و کلا ورقه فوق العاده انتشار  
دادند بنده عرض کردم که خوب بود اول استمداد به  
مجلس میکردند و در مجلس نظریات خودش را معین میکرد  
آنوقت اگر مجلس کاری نتوانست بکند این ورقه  
را اشاعه می دادند دیگر اینکه این کمیسیون که  
انتخاب میشود خوب است قسمی مداخله در اجرائیات  
نکند که فردا اگر یک نفر حاکم نالایقی را فرستادند  
بگویند بموجب تصویب کمیسیون بوده است.

**عزالملك** - بنده چون تصور میکنم که در  
عروض بنده آن اثری که باید مرتب بشود نمی شود  
بآنجهت اینجا اظهار عقیده نمی کنم و اگر بخوام  
عقیده خودم را عرض کنم شاید چهار کتاب بردارد

**آقای ابراهیم قمی** - آقای حاج شیخ  
اسدالله فرمودند که ما دخالت در اجرائیات نباید  
بکنیم بعد خودشان فرمودند که ما برای تعیین حاکم  
چند روز رفتیم و التماس کردیم دیگر اینکه در موقعی  
که امر نان یک قدری سخت شده بود ما یک عده را  
انتخاب کردیم که بروند در امر نان تفتیش کنند  
بنده عرض میکنم امر یک قسمت بزرگ مملکت که  
در کار آنش گرفتن است اهمیتش کمتر از امر  
نان نیست.

**حاج شیخ اسدالله** - عرض کردم رفتن ما نه  
بواسطه مداخله در اجرائیات بود ما رفتیم برای  
التماس کردن برای عجز کردن کی دخالت کردیم  
دخالت آنست که برویم آنجا حاکم معین کنیم.

**حاج آقا** - بنده اول هم با این پیشنهاد مخالف  
نبودم و عقیده خودم را عرض کردم و حالا هم عرض  
می کنم که موقع از این چیزها گذشته است که ما  
بخشیم اینجا و این مذاکرات را بکنیم اینکه فرمودند  
خوب بود اول از مجلس استمداد میسکریم عرض  
میکنم ما چهار ماه بود که هر قسم نتوانستیم در مجلس  
گفتیم و فریادها کردیم و بیان موانع تعیین حکومت  
آنجا و سایر موانع را نمودیم و درخواست کردیم  
که زودتر از این ترتیبات جلو گیری شود و این  
خودش در معنی استمداد از مجلس بود بعد از آنی  
که گفتیم دیدیم نتیجه نبخشید نوشتیم و بملت اعلام  
کردیم و تکلیف خودمان را نزد موکلین خودمان  
رد کردیم و چنانچه عرض کردم باز هم تکرار میکنم  
که بنده هم با این پیشنهاد موافقم لکن این مطلب  
را نباید فراموش کرد و بیدار باشید که بعضی ها  
هستند که نقشه های بیجا می کشند و مداخله بیجا  
در قوای دولتی می کنند این را بنده امروز بی پرده  
میکویم و اگر در کتاب آقای عزالملك نوشته شود  
اهمیتی ندارد.

**حاج شیخ رئیس** - بنده هیچ حاضر نبودم  
که عرض بکنم و زحمتی بهم ولی چون بعضی  
مذاکرات در اینجا شد که ناچارم چند کلمه عرض  
کنم اولاً بعضی از نمایندگان اینجا اظهار میدارند  
که و کلا هر کدام از هر نقطه شهری انتخاب شده اند

نماینده تمام ایران و وکیل (۲۵) کرور ملت فبور  
ایران میباشد ما هم ایضا میمانیم ولی برای اینکه  
دلوزی میکنیم بجای وکلای فارس و سایر وکلای  
دیگر عرض میکنم که مثلا در باب مازندران و اهالی  
فارس که نماینده انتخاب کرده اند هیچ نظرشان باین  
نیست که از آقای حسینی خان هم حق و کالت بخواهند  
و آن وکیل را که معین کرده اند تمام نیک و بد  
صفحه خودشان را نسبت بویکیشان میدهند و او را  
مرجع میدانند مثلا در مازندران اگر يك امری واقع  
شود میگویند اگر شیخ الرئیس عرضه میداشت و  
کاری از دستش برمی آمد میرفت در مجلس فریاد  
میکرد گریبان میدید و روزنامه نویسا می نوشتند  
تا بدانند که مناطق و بیانی داریم این جواب ایشان  
اما اینکه میفرمایند که باید يك کمیسیون معین  
شود برای اینکه بوزرا بيك اصطلاح فشار و بيك  
اصطلاح التماس و بيك اصطلاح با آنها مبادله افکار  
بکنند تمام اینها يك حرفهائی است بی مغز و بيك  
هیکل هائی است بی روح مجلس چه وقت مسامحت  
باز رئیس الوزرا کرد آنوقت که شاید خیالش متزلزل  
بود که مجلس شاید باو اعتماد نداشته باشد و نمایندگان  
محترم آن اعتقاد و اعتماد را باو ندارند و با مرئیس  
قیام کردیم و بواسطه اکثریت فریب با تفاق (یعنی  
بغیر از یکی دو نفر که قیام نکردند) اظهار اعتماد  
کردیم بر رئیس الوزرای خودمان حالا اگر بآن  
رئیس الوزرا اعتماد دارید اگر او را خائن میدانید  
همین مسامحتی است که برای این رئیس الوزرا  
شده باید گفت اگر حاکم معین کرده اید چه از  
مرکز و چه از خارج مرکز چه مانعی دارید که  
الان او را نمیخواهید بنده هیچ اعتقادی ندارم باین  
کمیسیون بفرمایش بعضی از آقایان باید دید که  
قصور در مقتضی است یا وجود مانع است اگر قصور  
در مجلس یا نمایندگان است که بگویند فلان وکیل  
فلان نماینده یا مثلا فلان کسی مخالف است زیرا که  
میل ندارد آن حاکم برود و اگر برود فردا میرود  
بالای منبر که هنر آن مخالف را با احترام یا خدای  
نکرده به بی احترامی بخواهند و اگر نه کمیسیون  
چه میکند و چه میگوید همین چیز هائی که شما  
و کلا در پرده میگویند او بی پرده میگوید و بقدر  
يك جو بحال فارس و جنوب و تمام جهات اربمه ایران  
فایده ندارد مگر اینکه وزراء را بخواهید که  
موانع را بگویند و آن موانع را مطرح قرار بدهیم  
و مذاکره کنیم و اگر راجع بخودمان است رفع  
کنیم و بگوئیم حکومت این مملکت را معین کنید  
هر که میخواهد باشد بمن و شما چه برویم التماس  
کنیم التماس خیلی لفظ قبیحی است مقام و کلا را  
من آنقدر تقدیس میکنم که هرگز لفظ التماس  
بمقامشان نسبت نمیدهیم که بگوئیم برای التماس  
بیش يك وزیر بروند.

**حسینعلی خان** - اولاً بنده عرض کردم  
که موکلین باید بدانند عرض کردم ما و کلا باید  
این نکته را ملذت باشیم که وقتی که میآئیم اینجا  
باید خودمان را نماینده تمام ایران بدانیم دیگر  
اینکه حاج سید ابراهیم فرمودند که این عده بروند

و حاکم معین کنند بنده عرض کردم که این کمیسیون  
ببجوجه نمیرود که حاکم معین کند بلکه عرض  
کردم این عده میروند که تا کید کنند در اینکه  
وزارت داخله زودتر حکومت آنجا را معین نماید.  
**معاضد الملك** - بنده با این پیشنهادی که  
کرده اند مخالف نیستم لکن این توضیحی را که  
آقای حسینی خان داده مخالف قانون می دانم  
میفرمایند که این کمیسیون برود از وزراء بخواهد  
که حاکم فلان محل را معین کند بنده عرض میکنم  
قانون بما این اجازه را نداده است بلکه بما حق  
داده است که هر وقت تعیین حکومت يك معنی را  
می خواهیم باید سؤال یا استیضاح کنیم و بگوئیم که  
این حاکم را معین کنند نه اینکه از طرف مجلس  
يك کمیسیون معین شود و از آنها بخواهد که  
حکومت فلان جا را معین کنید حالا بخواهید بعنوان  
تفتیش کمیسیون معین کنید و بفرستید که سؤال  
کنند از اینکه چرا حکومت فارس بتاخیر افتاده است  
آن ممکن است.

**رئیس** - مذاکرات کافی است رأی می گیریم  
کسانیکه موافقت با تعیین يك کمیسیون شش نفری  
بجهت اینکه بروند در امر حکومت فارس و در تأخیر  
تعیین آن تفتیش کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند  
و با اکثریت تصویب شد).

در این موقع پیشنهادی از طرف آقای ادیب -  
التجار قرائت شد این کمیسیون امر تفتیش را نسبت  
بسایر ولایات هم بعمل آورد چون مخالفی نداشت  
این تقاضا پذیرفته شد اوراق رأی برای انتخاب  
کمیسیون مزبور توزیع و اخذ شد آقای حاج  
میرزا رضاخان باقره آقایان آفایشعلی شیرازی  
و دکتر امیرخان و افتخار الواعظین را برای استخراج  
آراء معین نمود.

**رئیس** - استخراج این آراء در بیرون می شود  
[مستخرجین با طاق دیگر رفتند].

**رئیس** - حالا قرعه کشیده می شود برای  
تعیین یک نفر بجای آقای آقا سید ابوالحسن که  
مستعفی هستند نیز آقای حاج میرزا رضا خان باقره  
آقایان ممتازالدوله حاج شیخ علی آفایشعلی محمد  
حسین یزدی را برای استقرا معین نموده چون  
اسامی آقایان علماء در فین در مجلس حاضر نبود استقرا  
بجلسه آتی موکول گردید.

**رئیس** - جلسه آتی روز پنجشنبه و دستور  
آن دستور امروز است.  
مجلس يك ساعت از شب گذشته ختم شد.

**جلسه ۱۷۳**

**صورت مشروح روز پنجشنبه**

**هفتم شهری قعدة الحرام ۱۳۲۸**

مجلس دو ساعت ونیم قبل از غروب آفتاب برپاست  
آقای ذکاء الملك تشکیل شد صورت مجلس روز سه  
شنبه را معاضد الملك قرائت نمود (غائبین جلسه قبل)  
آقایان قوام الاسلام حاج میرزا آقا - آقا سید محمد  
رضا - آقا سید علی آقا - و امام جمعه بلاعذر غائب  
بودند - آقایان ممتازالدوله - شیخ رضا - دکتر  
اسمهیل خان - آقا سید حسین اردبیلی - افتخار الواعظین

حاج آقا - بهجت - سپهدار - مشیرالدوله -  
بوقت مقرر حاضر نشده اند. مریش حاج وکیل الرعایا  
رئیس - در باب صورت مجلس ملاحظاتی هست  
بفرمائید.

**کاشف** - در صورت مجلس حاج وکیل الرعایا  
را مریش نوشته بودند در صورتیکه ایشان تشریف  
داشتند اشتباه است. (گفته شد عوض آقای وکیل التجار  
حاج وکیل الرعایا نوشته شده بود اشتباهاً)

**معاضد الملك** - نتیجه استخراج آراء  
کمیسیون تقطیس امیرالیه فارس از این قرار است.  
آقای معاضد السلطنه با (۴۹) رأی - حاج وکیل -  
الرعایا با (۲۷) رأی - آقامیرزا ابراهیم قمی با (۲۳)  
رأی - آقای حاج عزالمالک با (۲۱) رأی - آقای  
حسنعلیهان با (۱۹) رأی - دکتر اسمعیل خان با (۱۹)  
رأی انتخاب شدند.

**رئیس** - دو فقره تلگراف رسیده است یکی از  
کمیته سعادت اسلامبول و یکی از طرف قونسولهای  
ایران در خاک قفقاز و عموم تبعه ایران مشریر تبریک  
افتتاح سال دوم مجلس شورای ملی

عریضه از طرف آقای وکیل التجار قرائت شد  
از این قرار - مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی  
شیدالله ارکانه از اینکه در صورت امکان بنده از مجلس  
غیبت نمیکنم دایلی بهتر از هنگام روز شنبه گذشته ممکن  
نیست اقامه نمایم شاهدی هم برای حالیه بهتر از اغلب  
نمایندگان محترم ندارم که هنوز ضمیمه اجازه  
حرکت در افاق ببندم نمی دهد اگر چه میدانم معذورم  
میفرمایند و میدانند که در طبیعت بنده از مجلس بدترین  
عذابی است که برای یک نفر نماینده ممکن است معین  
نمایند ولی چون قانون حکم میکند که باید از مجلس  
استعجازه نموده و مدت را هنوز طبیعت بنده نمی تواند  
محدود نماید که چند روز دیگر میتوانم از خانه بیرون  
روم لهذا مستدعیم این عریضه عاجزانه بنده را در این  
مقام مقدس قرائت فرموده بنده را جزء مهجورین  
مجبور محسوب فرمایند نه غائبین با اجازه یا عدم توجه  
رایورت کمیسیون بودجه راجع بحقوق صاحب منصبان  
مستغفی قزاق خانه بقرار ذیل قرائت شد. چون وزارت  
جنگ پیشنهاد کرده بودند که خدمات این (۸) نفر صاحب  
منصب را لازم دارند و باید حقوق آنها که ماهانه چهار  
صد و بیست و چهار تومان و پنجاه هزار و هشتصد و پنجاه  
دینار است که مبلغ دو بیست و هجده تومان و هفت هزار  
آن حقوق شخصی آنها است که از مجموع کل حقوق  
قزاق خانه موضوع شده و بآنها میرسد و مبلغ دو بیست و  
پنج تومان و هشت هزار و ششصد و پنجاه دینار حقوق  
خدمت آنها است بآنها برسد بعد از مذاکرات زیاد  
رأی کمیسیون با اکثریت چنین اقتضا میکند که مبلغ  
دو بیست و پنج تومان و هشت هزار و کسری حقوق خدمت  
آنها علاوه بر حقوق شخصی در حق آنها تصویب و  
عاید شود ولی بعد از اینکه ترتیب خدمت آنها معین و  
حقوق در اداراتیکه مستخدم خواهند بود مشخص شد  
آن مبلغ از حقوق اداری آنها کسر خواهد شد و فرمان  
بهین مبلغ از وزارت جنگ صادر شود

**حاج شیخ اسدالله** - عرض میکنم بنده راه نظر  
کمیسیون را نفهمیدم که از چه نظر تصویب کرده است  
که این حقوق بآنها داده شود و این چه حقی است و ما  
بچه عنوان این را تصویب کنیم اگر فی الواقع آنها را  
لازم داریم و وجود آنها نافع است چرا آنها را مشغول

بخدمتی نمیکنند که ما تصویب میکنیم و حقی برای آنها  
برقرار میکنیم می دهیم که در مقابل خدمت آنها باشد  
و آنها داخل خدمتی ظاهرأ باشند یا پیشنهادهای بمجلس  
بکنند و از مجلس رأی بگیرند که آنها در اداره  
خدمت کنند اگر وجود آنها فی الواقع لازم است و برای  
ادارات وزارت جنگ میتوانند خدمتی بکنند که همان  
وزارت جنگ حقوق آنها را تصویب میکند و دیگر  
بمجلس آوردن لازم نیست.

**سلیمان میرزا** - این صاحب منصبان قزاقخانه  
از آنهایی هستند که از قزاق خانه استعفا کردند و علت  
استعفایشان آن حس وطن پرستی بود که آنها را برکت  
آورده بود و آمدند در اینجا شرحرا اغلب نمایندگان  
میدانند که بواسطه وطن پرستی از قزاق خانه بیرون  
آمدند اما اینکه آقای حاج شیخ اسدالله پرسیدند که  
آیا این اشخاص امروز در خدمت دولت هستند بلی  
تمام اینها در خدمت دولت هستند منتهمی در قزاق خانه  
نیستند و در سایر ادارات نظامی مشغول خدمت هستند  
و اینکه میخواهند فرمان صادر شود برای مواجیشان  
هلتش این است که این اشخاص در بدو امر که قزاقخانه  
تشکیل شد یکمقداری مهاجرین وارد قزاق خانه شدند  
اینها هم از آن طایفه هستند که حقوق آنها آنوقت جزء  
بودجه قزاق خانه شد بعد از آنکه اینها جزء بریکاد  
محسوب شدند پس از مردن پدر هر کسی بالورانه  
این حقوق بآنها رسید دیگر فرمان صادر  
نشده همین قدر در قزاق خانه نوشته شده است که  
این مواجب از فلان کس منتقل شده است بفلانکس  
حالا که از بریکادی خارج شده اند اینها یک سندی  
میخواهند که در سایر جاها فرضاً اگر یک وقتی داخل  
خدمت نباشند آن حقوق آنها را مثل سایر ارباب  
حقوق بدهند این یک فرمانی است که صادر میشود  
که اینها یک سندی در دست داشته باشند و محققاً  
آنقاعده کلی مستثنا نبوده و نخواهد بود که از آن  
خدمت خارج شوند و حقوق اداری بگیرند مثل  
اینکه یکی از آنها غلامرضا خان میربنج است که  
الان تمام مواجیکانچها در تحت ریاست او است و  
الان هم هستند حقوق آنها از حقوق اداری آنها  
موضوع خواهد شد در وقتیکه حقوق اداری بآنها  
بدهند فقط چیزیکه هست آنستکه بآن هشت نفر که  
از آنها استعفا داده اند اجازه بدهند که بآنها فرمانی  
داده شود که سند آنها باشد

**ارباب کمیخسرو** - بنده فقط خواستم عرض  
کنم که ارباب حقوق باید باسم تصریح شود برای  
اینکه از این هشت نفر راممکن است بمضیها بشناسند  
بعضیها نشناسند کمیسیون میبایست اسم این اشخاص  
را در رایورت خودشان بنویسند که اسباب  
اشکال نشود.

**سلیمان میرزا** - صورتی را که بکمیسیون  
داده اند اصالی آنها با حقوق جزء بجزء ذکر شده و  
گویا خدمت هیئت رئیسه هم فرستاده شد و معلوم  
هست پس از آنکه مجلس تصویب کرد مطابق همان  
رایورت عمل میشود.

**دکتر امیرخان** - بنده می خواستم عرض  
کنم که این صاحب منصبان که از بریکاد استعفا  
داده اند داخل در خدمت هستند یعنی همان فرمایشاتی

که آقای مغرب فرموده اند در نظام که نباید فرق داد  
که اگر یک صاحب منصبی در یک فوج مخصوص  
هست مواجب بآنها برسد و اگر نباشد نرسد این را  
اسباب مایوسی صاحبمنصبها می دانم و باین عقیده  
مخالفم و تصویب میکنم که حقوق آنها همانطوریکه  
تصویب کرده بآنها برسد.

**ناصر الاسلام** - بنده موافقم با آقایان و لازم  
می دانم همانطور که گفته شد باسم تصریح شود و اسامی  
آنها خوانده شود.

**معاضد السلطنه** - عرض می کنم که  
اینجا خاطر آقایان مسبوق است که دولت مشغول  
انتظام قشون خودش است و برای تنظیم قشون  
صاحبمنصب تحصیل کرده که عمل هم دیده باشد  
خیلی کم داشتند و در قزاقخانه تقریباً چهل و پنج نفر  
صاحبمنصب ذخیره زیادی داشتند این بود که دولت  
خواست آنها را از آنجا بردارد و داخل سایر افراد  
که گرفته در تحت رفورم میآیند بمعلومی این اشخاص  
متعلم شوند و حاضر خدمت باشند باین مناسبت آمدند  
و این هشت نفر را که از آنها استعفا دادند داخل در  
خدمات نظام جدید کردند مثلاً این که غلامرضا  
خان رئیس موزیکالجهایوبچی خان رئیس سوارهای  
قزوین هستند و هم چنین سایرین در طهران در  
سایر ادارات مشغول خدمت هستند و وجود اینها  
برای دولت امروز خیلی خیلی فنیست است برای  
این که هم تحصیل کرده اند و هم عمل دارند و ما  
امروز این اشخاص را خیلی لازم داریم و بعقیده بنده  
همینطور که کمیسیون رأی داده است که حقوق  
آنها بآنها برسد باید تصویب شود چون سر خدمت  
هستند و حقوق می گیرند و این هیچ تفاوتی نمی  
کند که این مواجب را که کمیسیون بودجه تصویب  
کرده است که بآنها برسد همان مواجب خواهد بود  
که بآنها می رسد هیچ فرق هم نخواهد کرد تا  
مدتی که سر خدمت نباشند چون این اشخاص هر کدام  
تقریباً سی سال است خدمت کرده اند معاش لازم  
دارند و این باید بآنها برسد زیرا اگر واقماً از  
خدمت هم بکلی می خواستند استعفا بدهند دولت  
لا بد یک (پالیسونی) بآنها باید بدهد و محققاً  
کمتر از این مقدار باینها داده نمی شد و حالا که  
در سر خدمت هستند این مواجب را بآنها میدهند و از  
آنها می شود کار گرفت و این هشت نفریکه هستند  
همه جا از آنها کار می خواهند و در اغلب نقاط ایران  
مشغول خدمت هستند چه در طهران چه در خارج  
طهران و برای دولت هیچ تفاوتی نمی کند و اگر  
تفاوت می کرد چنانچه بنده آنروز عرض کردم  
که مخالف با عقیده هستم که دوهزار تومان امانت  
باداره اوقاف داده شود و هر یولی که گرفته می  
شود باید خرج نظام و قشون و اسلحه و توپ و  
تفنگ و فشنگ بشود امروز هم عرض می کنم ولی در  
این مقدمه چون می بینم که برای دولت هیچ تفاوتی  
نخواهد کرد و آنخرجی را که مجلس در محل خود  
تصویب خواهد کرد بعقیده بنده همین خواهد بود.

**محمد هاشم میرزا** - خاطر آقایان را  
مسبوق می کنم آقایانیکه از اول آمده اند اطلاع  
دارند که آقایانی که تازه تشریف می آورند این

اوراقی که چاپ می شود مقصود نگاه کردن آنها نیست مقصود این است که مطلبی که مطرح می شود از کمیسیون یا جاهای دیگر تحقیق کنید که دیگر بعضی مذاکرات در مجلس نشود و از آقای حاج شیخ اسدالله و سایرین تمنی می شود که اگر خاطرشان مسبوق نیست این مطالب برای روز دیگر باشد که مطالعه کنند والا هر چه که بنظر می آید بدون ملاحظاتی اطراف گفته شود گمانم این است آنطوری که شایسته حقوق آنها است داده شده.

**آقا میرزا احمد** - بنده با راپورت کمیسیون موافقم ولی یک چیز دیگر را که خیلی لازم است اینجا آمدم (محل نطق) که شنیده شده و خیلی هم مختصر است و آن اینست که بنده که یکی از نمایندگان این مملکت و یک نفر از مردمان رسمی هستم الان که از طرف تمام موکلین خودم که تمام ملت ایران است تشکر کنم.

**حاج آقا شیخ اسدالله** - بنده عرض نکردم که مراعات حال اینها را نباید کرد بنده عرض می کنم که فرمان دادن باینها اسباب این می شود که فردا هم اگر بخوانند خدمت نکنند آنوقت هم می خوانند این حق را بپیرند بنده عرض می کنم که این حق را بآنها بدهند که حاضر خدمت باشند همیشه مجبوراً خدمت کنند در ازای اینحقی که بآنها داده می شود فرمانی بآنها لازم نیست که بدهند اگر خدمت میکنند که درجه بودجه تصویب می شود و حقوقی بآنها داده می شود اما حالیکه حقوقی بآنها بدهیم و فردا هم خدمت نکنند اختیار با خود آنها است می خوانند خدمت می کنند نمی خواهند نمی کنند بنده عرض کردم اگر وجود آنها لازم داریم مراعات هم باید از آنها بشود عرض نکردم که نباید بآنها حقوق داد و اینجا گفته شد این مطلب بروز دیگر باشد که مطلب حالی شما بشود مطلب حاکی هست یکی دیگر در باب این که میفرمائید این حقوق باید تصویب شود اینجا دنبال حرف آقای ارباب کیخسرو را می خواهم عرض کنم و آن این است که گذشته از این که اسم آنها باید ذکر شود هر مقداری هم که برای هر کدام تصویب می شود بعلاوه اسم آنها آن مبلغ باید با اسم هر یک معین شود و اینجا هیچ نوشته است.

**سلیمان میرزا** - گمان می کنم یک قسمت از عرایض بنده را آقای حاج شیخ اسدالله التفات نکردند و الا آن فرمایش اولیه را نمی فرمودند زیرا که بنده عرض کردم این مواجب مثل سایر ارباب حقوق است چگونه ارباب حقوق مواجب دارند این اشخاص هم آنوقت که مهاجر بودند یک حقوق جزء مهاجرین یک حقوق شخصی داشتند مثل سایر ارباب حقوق که حالا داخل در هیچ اداره نیستند حقوق شخصی خودشان را دارند تعارفتی که پیدا کرده است وقتی که این مواجها بالوراثه بیک جماعت دیگری انتقال پیدا کرده است یک فرمانی صادر نشده و بودجه بر یکاد فراخته بوده است و اسمی در بودجه از آنها برده نشده و بآن اشخاصی که مواجب داده شده همینقدر در زیر اسم آنها

نوشته شده است که این مواجب از فلان بنلان منتقل شده و در وقت پرداخت مطابق آن صورتی که در بریکاد بوده حقوق آنها را بپوشانند که از جمله این هشت نفرند که این ها استعفا کرده اند و اسمشان از بریکاد خارج شده خواه داخل خدمت باشند خواه نباشند این مواجب را مثل سایر ارباب حقوق مستحقند که بآنها داده شود منتهی این است که سر کار باید در نظر داشته باشند که اینها اشخاص لایقی هستند و فعلاً مشغول خدمتند خواه این مواجب را تصویب بکنیم خواه نکنیم همین مقدار مواجب را آنها میگیرند و چیزی که هست وقتیکه این مواجب را تصویب کردیم همان نظر در اینجا هست که وقتی این اشخاص پیر شدند و دیگر داخل در کاری نمی توانند بشوند این مواجب بآنها داده می شود و این هم چیز تازه نخواهد بود زیرا وقتی که آن قانون وظایف که از مجلس گذشت این ترتیب مقرری وظایف برای اشخاصی که در مملکت و در دولت خدمت کرده اند و در آنجا معین شده اند که وقتی که پیر شدند حقوق تقاعدی بآنها داده می شود چیز تازه نیست و حقشان هست که باید بپردازند و تقاضا می کنم که رأی داده شود (گفتند صحیح است رأی بگیریید).

**رئیس** - مذاکرات کافی است حالا راپورت خوانده و رأی گرفته می شود مجدداً راپورت مزبور قرائت شد.

**آقای معاضدالملک** - اسامی صاحب منصبان و مقدار حقوق آنها را بقرار ذیل قرائت نمود غلام رضا خان امر پنجه (۱۲۸) تومان و سه قران یحیی خان امیر پنجه ۶۳ تومان عیسی خان سلطان ۱۹ تومان موسی خان ۱۹ تومان امام قلی خان ۱۰۹ تومان ۲۶۵۰ دینار رحیم خان امیر پنجه ۴۵ تومان و ۸ قران عبدالملیکان سر تیب ده تومان و یک قران خدایار خان سر تیب ۳۰ تومان و یک قران.

**سپهبدار اعظم** - عرض می کنم که این یحیی خان امیر پنجه در جنگ سالیان در سنگر سوات و یک تنگه بهلوی من ایستاده بود که هزار و پانصد نفر فرار کردند در یک جانی که برادر بهلوی برادر من ایستاد.

**رئیس** - رأی میگیریم کسانیکه با راپورت کمیسیون بوجه موافق هستند دوره سفید خواهند پرداخت. اوراق رأی اخذ شد و آقای حاجی میرزا رضا خان بقرار ذیل تمهیدات و استعراج نمودند.

**معاضدالملک** - عمده اوراق ۷۰ ورقه سفید علامت قبول ۶۱ امتناع ۹ آبی ندارد.

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد.

اسامی آقایانی که تصویب کرده اند حاج سید نصرالله - سلیمان میرزا حسنعلیخان - معین الرعایا - حاج فاتح الملک - حاج محمد کریمخان - معاضد السلطنه - دکتر امیرخان - آقا سید حسین کزازی - آقا میرزا علی اکبر دهخدا - حاج میرزا رضا خان - آدینه محمد خان - مستشار الدوله - ضیاء الممالک - ادیب التجار - معتمد التجار - آقا

میرزا محمد نجات - حاج شیخ الرئیس - میرزا مرتضی قلیخان - ناصر الاسلام - متین السلطنه - صدرالمعلماء - آقا شیخ رضا - آقا شیخعلی شیرازی - دکتر طلیخان - آقا عبدالعزیز بروردی - سردار احمد - ابوالقاسم میرزا - صدر الملک - منتصر السلطان - ارباب کیخسرو - بهجت - فهیم الملک - آقا میرزا احمد - معزز الملک - سپهبدار اعظم - ذکاء الملک - آقا سید محمد باقر ادیب - حاج سید ابراهیم - عزالملک - محمد هاشم میرزا - ممتاز الدوله - معاضدالملک - مرتضی قلیخان بختیاری - آقا میرزا ابراهیم خان - آقا شیخ غلامحسین - حاج امام جمعه خونی - شیپانی - افتخار الواعظین - حاج شیخعلی آقا شیخ محمد خیابانی - آقا میرزا داودخان - مؤمن الملک - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - کاشف دکتر رحیم میرزا - لسان الحکماء - آقا میرزا ابراهیم قمی - آقا سید حسین اردبیلی.

**رئیس** - حالا باید یک نفر بجای آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی جزو علمای خسته انتخاب نمایم آقای حاج میرزا رضا خان - آقایان ممتاز الدوله افتخار الواعظین - حاج شیخعلی را بقرعه معین و اسامی اشخاص را احصا و قرائت نمودند - و استعراج آقا شیخ مهدی مازندرانی معین شد.

**رئیس** - آقا شیخ مهدی مازندرانی منتخب شدند. قانون اداری فواید عامه از ماده سیم قرائت شد ماده سیم - وظایف مدیر کل (۱) مسئولیت امور اداری در نزد وزیر (۲) تدارک موجبات پیشرفت ادارات (۳) تصدیق مراتب لیاقت اجزاء و استحقاق آنها در ذیل مراتب عالیتر (۴) تعیین حدود و حقوق اجزاء در راپورتهائی که بدولت یا مجلس شورای ملی تقدیم میشود (۵) ترتیب نظامنامه ها و مواظبت در اجرای آنها (۶) نظارت در اثباته دوایر (۸) امضای احکام و قراردادهای اداره قبل از امضای وزیر (۹) تصدیق راپورت های اداری که بامضای مدیران دوایر است (۱۰) نظارت در مالیه و محاسبات (۱۱) امضاء در موارد ذیل از طرف وزیر در صورتیکه وزیر اجازه داده باشد (۱) در تعیین مدت اجازه مرخصی اجزای جزو غیر از رؤسا (۲) اجرای سیاسیات و مجازات اداره در حق اجزای جزو (۳) توقیف مقرری و عزل اجزای جزو موافق قانون تشکیلات اداره قانون استخدام (۴) امضاء و قبول مخارج و مصارفیکه از صد تومان تجاوز نکند و معضی برقرارنامه باشد یا سابقاً بموجب دستخط یا امضای وزیر جاری شده باشد (۵) تجدید و تعیین تکالیف و وظایف مستخدمین وزارتخانه (۶) تهیه یادداشت های راجعه بامور مالیه وزارتخانه که باید بدیوان محاسبات تحویل شود.

**فهیم الملک** - بعضی چیزها را خوب است تشریح کنیم که در جزو قانون یک وزارتخانه باید ذکر شود یا نباید ذکر شود اداره فواید عامه از دو حال خارج نیست یا یک وزارتخانه بالاستقلال خواهد بود یا جزو یک وزارتخانه دیگر در هر حال وزیر است که اینکار را اداره می کند چنانچه هر وزارتخانه معین است کابینه دارد دفتری لازم دارد یک معاون